

این تذکره مشتمل است بر ذکر صدوسی و پنج شاعر متقدم و متأخر بترتیب
الفبا از روی حرف اول اسمها تحلیص شاعریها و با فانوری حاوری شروع شده تا (میر)
یوسف بلگرامی، تمام میشود.

مؤلف در مورد انتخاب اشعار در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است که اشعاری
که در این تذکره آورده است از جای دیگر نقل نکرده و الا بقدر قلیل پناه
بر ضرورت، چون اشعار مطلوب از جای دیگر بدست نمی آمد و مؤلف فرصت
مقایله انتخاب خرید با کتب دیگر نداشت و این احتمال دارد گاهی
اشعاری را که در کتب دیگر انتخاب شده است در کتاب خود نیز آورده باشد.
همچنین درباره اینکه گاهی اشعار خوب در این تذکره پیدا نیست چنین توضیح
میدهد که اشعار خوب را قلم از وی کسی دیگر در تذکره خود انتخاب کرده یا
از نظر مؤلف افتاده یا دیوان شاعر بصورت تمام و کامل بدست مؤلف نرسیده است.
همچنین مؤلف توضیح میدهد که با وجود اینکه برخلاف سرو آزاد که مطالع
بر غیر مطالع مقدم دارد در این کتاب چنین التراسمراعات نموده است

اما در موقع انتخاب دیوان ترتیب ردیف را نگهداشته چنانکه اگر بیتی
مطلوب است رود پیدا شود

همچنین مقداری از اشعار عربی را از خود وارد کرده است در این تذکره است
نموده است و درباره اشعار عربی توضیح و شرح لازم داده است مثلاً رجوع شونده
نام عربی

گاهی اشعار فارسی بعضی شعرا را شرح داده است مثلاً در ردیف تام نعمت خان
عالی قطعی که وی در طوی (حسن) کامگار جان سروده است داده است که بیت آن

کدخدای سدا در دیگر جان عالی

دکمن عرب و تمکین و وقار و ریب و دین

در دلیل شرح حال بعضی شعرا چون بعضی وقایع مهم زندگی آنها بعد از

اتمام کتاب بمولف رسیده است این مطالب را در پایان شرح حال آنها اضافه کرده است مثلاً رجوع شود به ذکر شاعر (میرسید محمد بلگرامی).

مؤلف در ۸۱ صفحه این کتاب (ص ۳۵ تا ص ۱۱۶) بعضی وقایع تاریخی معاصر را به شرح حال نوابان و امرای آنوقت بیان کرده است. این قسمت کتاب از حیث تاریخ معاصر دارای اهمیت فراوانی میباشد چون اکثر وقایع مذکور چشم دید مؤلف بوده است و همچنین نوابان و امرای مرزور نیز معاصرویی بودند و آرا و شخصاً با اکثرشان ملاقات کرده است این قسمت مشتمل است بر در حال نواب آصفجه و امیرالامراء فیروز جنگ و عمادالملک نواب نظام الدوله ناصر جنگ و مظفر جنگ و امیرالملک و نواب آصفجه ثانی و نواب برهان لملک و وزیر الممالک صفدر جنگ و وزیر الممالک شجاع الدوله و سپس ذکر احمد شاه درانی و هفت حمله وی بر هندوستان و ذکر حاصلات (درآمد) ایران و در ضمن ذکر مرهته ها و بیان آنکه دولت آباد در چه وقت و بچه بچه بتصرف اسلامیان (مسلمانها) درآمده بود در دین آصفجه و نواب نظام الدوله بعضی اشعار که آنها سروده اند آورده است. همچنین ذکر اسحاق خان و اولادش را در دین نام آورده است.

در هر حال چون اکثر این مطالب (غیر از اشعار آصفجه و نظام الدوله) مربوط بموضوع تاریخ است سایر این خارج از موضوع تذکره میباشد بهتر بود اگر مؤلف آنرا بصورت رساله جداگانه ای می نوشت تا با مطالب این تذکره مخلوط و آمیخته نشود.

همچنین در دین نام ناقص ابهری واقعه محاصره اصفهان (۱۱۳۴هـ) و وقایع دیگر زمان سلطان حسین و مادر شاه را نقل کرده است که البته از حیث تاریخ مهم است اما از موضوع این کتاب خارج است.

شرح حال شعرای ریزرا از همه معصل تر نقل کرده است (در ۳ ص) و آرزو (۳ ص) و مولانا قمرالدین (در ۴ صفحه) اشعار و شعرای ریزرا از همه معصل تر نقل کرده است. بیخبر و رفیع و کاتبی

و کلیم (هر کدام در ۴ ص) و شاه آفرین (در ۱/۴ ص) و ابوسعید لاهوری (در ۵ ص) و
 وراق مشهدی (در ۱/۵ ص) و آزاد (مؤلف اشعار فارسی در ۶ ص و اشعار عربی در ۱/۳ ص)
 و شیدا و میر عبدالجلیل (هر کدام در ۶ ص) و محمد علی ماهر (در ۸ ص) و بینک
 (در ۱۳ ص).

اشعار خود را که در قافیه یا ردیف یا معنی شبیه با اشعار شعرای دیگر
 بوده در ذیل اشعار شعرای زیر آورده است

بدر جاجرمی و حافظ و حریر (اشعار عربی) و شیدا و صایب و عرت
 همچنین اشعار شعرای زیر را در ذیل اشعار شعرای دیگر بمناسبت شباهت
 قافیه و ردیف یا معنی آورده است

۱- اشعار امیر خسرو و سعدی را در ذیل اشعار میرزا اشرف جهان.
 ۲ اشعار خواجوی کرمانی و حافظ و امیر خسرو و سلمان ساوجی را در ذیل
 اشعار بدر جاجرمی.

۳- مطلع و حشمت تپائیسری را در ذیل اشعار بیحر.

۴- اشعار آرزو و خسرو و ومتسی را در ذیل اشعار خاقانی.

۵- اشعار عصمت بخاری و حسن رادر ذیل اشعار امیر خسرو.

۶- اشعار مهربان را در ذیل اشعار دکا.

۷- اشعار خاقانی و ابوری را در ذیل اشعار طهیر.

۸- بیتی امیرشاهی سرواری را در ذیل اشعار سلمان ساوجی

۹- قطعه ظهوری را در ذیل اشعار شیدا

۱۰- اشعار ربیعی کاشی را در ذیل اشعار و اله دغستانی

۱۱- اشعار قبالان یک و آرزو را در ذیل اشعار مولانا لطف اله شیرازی.

در ضمن نقل اشعار بعضی شعرا کلمات مشکل و پر را که در اشعارشان

سکارفته شرح داده

و ادهم (ابوری ص ۹) و نوا (ابوسعید سلمان ص ۱۴) و دسودس السرحان

و غزاله و پتیاره و سپهر و فکر (ابوسعبد سلمان ص ۱۶ و ۱۸ و ۲۰) و قالین (شاه آفرین ص ۴۴)
 و شوق و شاق و قفس (خاقانی ص ۲۰۵ و ۲۰۷) و مصلح منحل و و سزل و طوطی و حلی (طهیر
 قاری ص ۳-۳۱۲) شرح قطعه‌ای از نعمت حن عالی و کلمات مشک آن (ص ۳۳۶-
 ۳۴۶) جوهر (عادل شاه جهان آمادی ص ۳۰۰) و بسمل و اردصیقل و ثمر و کساد و زکام
 و عذار و نوالهوس (هایلی تبریزی ص ۱۰-۷-۴).

همچنین بعضی کلمات مشکل را در دیل اسعار ساطی سمرقندی و بیدل
 و شیدا و نظامی شرح داده است و غالباً سد آنرا از ورهنگ ها و اسعار شعرای دیگر
 آورده است

اشعار خود را نیز در ۸ صفحه شرح داده است و سداستعمال بعضی اصطلاحات را
 از شعرای دیگر آورده است

مؤلف اگر چند ردیل نام خاقانی از آوردن اشعار «رکیک» و مسندل هجووی
 خودداری کرده است اما در دیل اسعار نعمت حن عالی قطعه‌ای در هجو بسیار مستدل را
 به تنها نقل کرده است بلکه در ۱۰ صفحه آنرا شرح هم داده است و در پایان «حمدار بد مستی پای
 ریش این جام» را نویسه استعاره و تونه رفع ساخته است

در باره اشتباهات تذکره نویسان دیگر اشعار زیر - مرا را بجای گویدگان
 اصلی آنها نام دیگران سب داده اند تذکر داده و گوینده اصلی آنها ذکر
 نموده است

۱ - بیتی رزلالی که مؤلف «مع اقلیم» نام قطران نوشته است (ص ۲۴۸)

۲ - بیتی از محمد طاهر عی کشمیری که مؤلف «متحب التواریح» مشخص دیگر
 آورده است (ص ۲۴۸).

۳ - بیتی از غتیعه امیر خسرو که در محمود و ایار رلالی آمده است
 (ص ۲۴۸)

۴ - دو بیتی که آرزو در «مجمع العایس» بجای محمد قلی سلیم تبریزی نام
 شیدا نوشته است (ص ۲۸۱).

۵ - بیتی از میرعبده‌اللهی که آرزو بنام طالب آملی و میرعبدالغنی هردو نوشته و
واله بنام غنی تفرشی نوشته‌اند (ص ۳۰۲)

۶ - رباعی از میرعبدالعسی که آرزو بنام زاهد علیخان سجا و میرعبدالغنی
تفرشی هردو نوشته و حرین و واله بنام غنی تفرشی نوشته‌اند (ص ۳۰۳).

۷ - رباعی از وجدان سرهندی که آرزو بنام میرزا مظهر صاحبان آورده و بقول
حاکم اصلاً از وجدان است (ص ۴۴۵)

مؤلف بنا بر ماده تاریخ گوئی، علاقه فراوان داشت و در ردیل نام شعرا و اشخاص زیر
ماده تاریخی را که خودش در وفات آنان سروده نقل کرده است. نواب آصفجاء و
نواب نظام الدوله و آرزو و بیدل و شاعر و صائب (خیلی مهصل) و ناصر علی و میرعبدالحمید
و متین اصهبانی و شاه محمود و معزالدین.

همچنین در ردیل شرح حال شعرا و اشخاص زیر ماده تاریخی که دیگران در وفات
آنان سروده‌اند نقل کرده است.

قطعه تاریخ فوت امیرالممالک از میراولاد محمد رکا و راهب ارمشقاق اصهبانی
و سلمان ساوجی از ناصر بن نور محمد و میر معصوم از محمد علی ماهر و شکیمی صباها
از میرالهی و شبلی تگلو از محمد علی ماهر

ماده تاریخ وفات ناصر علی و سرخوش و محمد عا کف و غزالی (مشهدی) از فیضی
و محمد زمان از ماهر و یوسف بلگرامی اردکان.

در ردیل نام شعرای دیر ایراداتی را که دیگران بر اسعدزسان گرفته‌اند جواب
داده است

۱ - اعتراض آرزو بر شعر حیرتی تویی

۲ - اعتراضات آرزو بر اشعار حرین و حاکم و سرخوش (و دوباره در ردیل

۳ - اعتراض کسی در بیتی از ناصر علی

۴ - تنصی در بیت عاقل

۵. اعتراض بر بیتی از میر محمد زمان (در ذیل وجدان سر هندی) .
 همچنین ایراداتی را که بعضی بر اشعار شعرای زیر داشته‌اند ذکر نموده‌است .
 جافظ (بر مدح الدنیا) و صائب (مکرر در ذیل نام عنصری) و عرفی و نعمت خان
 عالی و فردوسی .

در ضمن شرح حال شعرا یا نقل اشعارشان در باره موضوعات زیر بحث
 کرده‌است .

۱ - در ذیل نام ابوری در باره تشبیب و نسیب و حسن طلب و مطمع .
 ۲ - در ذیل نام حیدری سریری در باره مذمت هند از شعرای ایرانی و اینکه
 خود ایرانیها هم هندی‌الاصل هستند (چون حضرت آدم اول پسر زمین هند
 نازل شد) .

۳ - در ذیل نام ستابی تکلودر باره موضوع برر کشیدن شعراء (ص ۷۰-۲۶۹)

۴ - در ذیل نام صمیر تحقیقی در باره بحور عربی و فارسی (ص ۹-۲۹۸) .

۵ - در ذیل نام عرفی شیرازی در باره «های مختفی» (ص ۳۲۱) .

۶ - در ذیل نام علی سر هندی، در باره قاعده حمل در ماده تاریخ گوئی
 (ص ۳۳۰)

۷ - در ذیل نام نعمت خان عالی در باره بواقص شعری (ص ۳۳۸) .

۸ - در ذیل نام نظامی در باره نوعی از تشبیه که آنرا علمای بدیع هندی اینها
 الکار گویند (ص ۴۳۱)

سبک انشای مولف

سبک انشای مؤلف غالباً نیم مصوع و گاهی یکی مصوع است مخصوصاً در مقدمه
 و در موقع تعریف شعرا بشرم مسجع پرداخته‌است و گاهی بر عایت اسم یا تحلیص شاعر
 حساس آورده‌است مثلاً

در ذیل نام ابوری حاوری می‌ویسد « استاد من و یکی از رسل ثلاثه قلمرو

سحر است

درذیل نام ابوسعیدسلیمان لاهوری مینویسد: « زمین سخن یوراثت عاقلش یمین اوست
 و قلمرو بیان از بیاض پندر وجد زیر مگین او » .

درذیل نام ادهم مینویسد: « زنجیر و خشیان خیال است و دام آهوان مقال » .

« ایجاد » « ایجاد شعر کار اوست و اختراع اشاء شعار او »

« خاقانی » « حسان العجم و افتخار اللوح و القلم است » .

« امیر حسرو دهلوی » حسرو قلمرو معانی است و صاحبقران سواد اعظم

سخندان بی » .

درذیل نام بعضی شعر ا جمله ای مصنوع در معنی « ایضا اشعار او » آورده است مثلا:

درذیل نام ازرقی مینویسد « برخی از کلام (اشعار) نیل ز حسار ورق نموده میشود » .

« بیخسر بلگرامی » او ساغر عرفان میگرداند » .

« حیاتی گیلانی » آنجیات از ظلمات دوات بیرون می آرد » .

« خواجو کرانی » او بخل سخن می بندد » .

همچنین گاهی جمله ای مصنوع در معنی « فوت کرد » بکار برده است مثلا :

درذیل نام بیخسر بلگرامی مینویسد « بسر استان قدس خرامید » .

« شکیمی تبریزی » « سیر وادی خاموش پرداخت » .

« شاعر بلگرامی » « بخت الماوی خرامید » .

مؤلف کلمات عربی را در اوایی بکار برده است و در سراسر کتاب ترکیبات و

کلمات عربی را بکثرت در شرح خود آورده است و حتی سالها را در سراسر کتاب بالعاط

عربی نوشته است همچنین گاهی در شرح خود آیات قرآن و صرب المثلهای عربی را

بکار برده است مانند ان الحسبات ینهین السیئات (ص ۳) و آتیا فی الدنیا حسنة و انه

فی الاخرة لمن الصالحین (ص ۴) تعالی (الله) من ذلك علوا کبیرا (ص ۶) قل لو کان

البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی ولو حثثنا مثله مددا (ص ۶)

گاهی کلمات اردو را در شرح خود بکار برده است مانند حاکمیر بمعنی املاکی

که از طرف دولت یا پادشاه بکسی داده میشود است (آرزو بود در گناه قلی خان) و چهار

بمعنی کشتی (حرین و حاکم) و غیره.

گاهی املاهای کلمات و اسامی اشخاص و شهرهای هندی را بحروف اردو

نوشته است رجوع شود به صفحات ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۳، ۶۷، ۱۱۰، ۱۱۹.

اما برعکس گاهی املاهای بعضی شهرها را بحروف فارسی نوشته ماندند (ص ۳۶ و ۱۹۴)

و گلکنده (ص ۳۵)

سخ خطی

۱- اشپرنگرش ۲۵ ۲- لیدزیا نا ص ۱۴۴ (ش ۳۱۹) (۱۱۶۷ هـ) ش ۹۲۵

(۱۱۹۶ هـ) ش ۳۲۰ (قسمتی از کتاب - تقریباً ۱۷۸۰ م)

۳- اته ۶۸۵ (۱۱۸۲ هـ - اردوی نسخه خود مؤلف استساخ شده است) ۶۸۶

(۱۱۹۳ هـ) ۶۸۷-۹۰ (هرچهار نسخه تاریخ ندارد) ۴۹۰ (تنها قسمت تاریخ)

۴- اندیا آفس دی پی ۶۴۴^۱

۵- اندیا آفس ۳۹۹۱^۱ (تنها شرح حال آصفجاء) ۴۰۷۸^۱.

۶- ریوح ص ۷۹۸ الف (تنها قسم اول تاد کر احمد شاه درانی - ۱۱۹۷ هـ)

۳۷۳ الف (قسمتی از کتاب با آراد تمام میشود - او احرقرن ۱۸ م) ص ۳۷۴ (قسمتی

از کتاب - از آصفجاء تا آراد اوایل قرن ۱۹ م) ۳۷۴ (قسمتی از کتاب - آصفجاء

ویسران وی و غیره - ۱۲۳۲ هـ)

۷- نادلین ۳۸۱ (۱۱۹۹ هـ)

۸- بلوئه ح ۲ ش ۱۱۵۷ (قرن ۱۸ م) ۱۱۵۸ (قسمتی از کتاب او آخر

قرن ۱۸ م)

۹- آصفیه ح ۱ ص ۳۱۸ س ۲۶ (۱۲۲۱ هـ)

۱۰- مانکی پور ح ۸ س ۷۰۰ (قرن ۹ م) ۶۵۸ (قسمتی از کتاب - آصفجاء

۱- این نسخه در فهرست اته ذکر شده است. ر. ک استوری ح ۱ ق ۱ ص ۳۶۱ در دیل

و غیره - ۱۲۰۳ (تکمیله ج ۴ ش ۱۷۸۸ (قرن ۲۱۹) .

۱۱- علیگره ذخیره سبحان اله ص ۶۰ ش ۲۰ (۱۲۶۶هـ) .

۱۲- ایوانو ۲۳۲ (قرن ۲۱۹) ذخیره کرزن ۵۹ (۱۲۸۲هـ) .

۱۳- براون - نسخ فارسی - ۱۱۵

۱۴- براون دحیره H۲۳ (۲) (شرح حال آصفجاه و غیره)

۱۵- انجمن همایونی آسیائی فهرست فارسی ش ۱۱۶ (نیر ش ۱۶۴ و ۱۶۵) .

چاپ

کانپور ۱۸۷۱م و ۱۹۰۰م منشی نولکشور لکهنو (سال ۹)

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به خزانة عامره چاپ لکهنو و کانپور .

تذكرة الشعرا

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست

مؤلف این کتاب را بین سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۸۰ هـ تألیف نموده است چون

در صفحه ۹۵ الف سحبه اته سال فوت سراح الدین آرزو را ۱۱۷۰ ذکر کرده

و سپس در ص ۶۶۳ الف درباره میرشمس الدین فقیر (متوفی در ۱۱۸۰ یا ۱۱۸۱هـ)

مینویسد که وی هنوز در قید حیات است

این تذکره مشتملست بر ۲۸ «حدیقه» هر حرف در یک حدیقه و هر حدیقه مشتملست

بر سه «گلشن» برای ذکر شعرای ۱ - منقدم ۲ - متوسط ۳ - متاخر و گلشن سوم

دو «چمن» دارد چمن اول درد کوشعرای ایران و توران و چمن دوم درد کوشعرای

هندوستان.

این کتاب با «شبه ابوالحسن حرقانی» شروع میشود و مشتملست بر ذکر

۲۲۰۰ شاعر ترتیب الفبا شرح حال شعرای متقدم مخصوصاً پیرازاغلاط است مثلاً
سال وفات شیخ ابوالحسن خرقانی را ۳۵۲۱ بحسب ۵۴۵۲ هـ سال وفات ناصر خسرو
را ۱۱۹۰ هـ ثبت کرده است .

اته گمان کرده است که این نسخه «تذکره بیظیر» است اما این محققاً درست
نیست (رجوع شود به بحث درباره «تذکره بیظیر» در این کتاب)

نسخه خطی

برای نسخه خطی منحصر بفرد این تذکره رجوع شود به اته ش ۶۹۲ (ظاهرأ
نسخه چرکنویس است و مقدمه و حاتمه و اسم مؤلف ندارد این نسخه دارای ۹۳۶
برگ و صفحه‌ای ۳ ستون و هرستون ۱۵ سطر دارد).

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ص ۱-۱۷ نسخه اته ش ۶۹۲ فوق.

گل رعنا

ابتدا

یارب مقبول سار اشای مرا درخوش سخنان بلند کن جای مرا
چون بوقلمون کمرنگ قایم دارد ایمن رحبران کن کلک رعنای مرا
برنظار گیان سخن و تماشائیان بی‌مشه داراین چمن محبب مناد که متمسک
عروه وثقای آرادى سده لچهمی براین متخلص به شفیق اورنگ آنازی که اررور
ازل داع غلامی حضرت آراد بلگرامی مدطله العالی برحیین است

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب لچهمی نراین ماتهرار قوم کهنتری کیپوروتخلص وی شفیق است. جدش بهوانی داس همراه اردوی عالمگیری (اورنگ زیب عالمگیر (۱۰۶۹-۱۱۱۸هـ) از لاهور وارد دکن شده و در شهر اورنگ آباد متوطن گشت و در سلك ملازمین غازی الدین خان منسلک شد. پسر متوسط وی منسارام پندر شفیق هنوز ده ساله بود که بهوانی داس فوت کرد. بعد از فوت بهوانی داس حسومت رای که هم قوم و هم جدی بود تربیت منسارام را بعهده گرفت. چون وی بزرگ شد نظر بلیاقت و استعداد خود در عهد نواب آصفجاه (۱۱۱۳-۱۱۶۱هـ) به پیشکاری صدارت شش صوبه (استان) دکن مامور گشت و تماموقع تألیف «گل رعنا» مدت چهل سال^۲ بود خدمت مزبور را بحوبی انجام میداد. سپس نواب صمصام الدوله (م ۱۱۷۱هـ) در ایام وکالت خود (۱۱۶۷-۱۱۷۰هـ) نظر با استعداد وی و در نتیجه توصیه میر غلام علی آزاد بلگرامی اورا منصبی اعطا نمود و پیشکاری بحشی الممالک دکن را بحدومت سابق وی علاوه کرد. در سنه ۱۲۰۴هـ منسارام دیوان بود چون شفیق در «حقیقت‌های هندوستان» تألیف ۱۲۰۴هـ وی را دیوان مینویسد.

شفیق در دوم صفر ۱۱۵۸هـ در اورنگ آباد بدبیا آمد و در سایه عطوفت میر غلام علی آزاد بلگرامی که اورا پیر^۳ خود مینویسد تربیت یافت چون بزرگ شد در سلك ملازمین نواب نظام علیجان (۱۱۷۵-۱۲۱۸هـ) منسلک شد و ببرد خدمت نواب

۱- مؤلف «تأیید الافکار» دو ساله مینویسد اما شفیق در فصل دوم «گل رعنا» ده ساله نوشته است.

۲- منسارام در ابتدای کتاب «مآثر نظامی» مینویسد «منده عقیدت شناس منسارام آصفجاهی پسر بهوانی داس عاری الدین حانی صیره مالکش عابد حانی در حدود پنجاه سال درین سرکار دولت مدار زندگی را راحت بسر برده و خدمت صدارت کل را انجام داد» و مورد عاطفت و شفقت قرار گرفته‌ام» (ترجمه).

۳- ر ک گل رعنا و بهرست نانکی پور ح ۸ ص ۱۲۸

صمصام الدوله به منصبی و لقب «دولت چند» سرافراز گردید - وی در اول صاحب تخلص داشت ولی در سنه ۱۱۸۶ هـ. آراد بلگرامی وی را «شعیق» تخلص داد اما در ریخته (اردو) کمافی السابق «صاحب» تخلص داشت و همچنین در شعر فارسی نیز در بعضی محورها که شفیق آجا می گویند صاحب تخلص می آورد

مؤلف تذکره «سخنوران بلند فکر» (اردو) می نویسد که شعیق در تاریخ نویسی مهارتی تام داشت و مآثر آصفی و مآثر حیدری بر آثار اوس و اینکه شعیق در خدمت نواب عالیجاه فرید نواب نظام علیخان آصفجاه تابی نظام دکن (۱۱۷۵-۱۲۱۸ هـ) ملایم بوده و دارای منصبی و لقب «دولتی چند» بوده و در سال ۱۲۰۱ هـ فوت کرد . اما این درس بیست چون شفیق تا سال ۱۲۱۴ هـ که سال تألیف «ساحط العایم» وی است در قید حیات بوده است. در روی جلد «گل رعنا» فصل دوم (چاپ حیدرآباد دکن عسارت زیر آمده است : «تألیف شفیق متوفی ۱۲۲۳ هـ» ولی مأخذ این اطلاع معلوم نیست .

مؤلف «نتایج الافکار» می نویسد که شعیق در اوایل مایه ثالث فوت کرد

آثار مؤلف

آثار شعیق بدین قرار است .

الف - تواریخ

۱- حقیقت های هندوستان (اسم تاریخی است و سال تألیف ۱۲۰۴ هـ را می رساند) مشتمل است بر چهار مقاله درباره فردهای دفتر قدیمه و شرح استانهای هندوستان و دکن و شرح مختصر سلاطین مسلمان هند از معالدین سام تا شاه عالم پادشاه هند این کتاب را مؤلف بهرمایش و بنام مربی خود کاپیتان ویلیام پاتریک^۱ ریویدت تألیف کرده است برای نسخ آن رجوع شود به ریو ح ۱ ص ۲۳۸ و ۲۳۸ الف و ح ۳ ص ۱۹۱۳ الف و ایوانوس ۱۷۹ و ساکی پور ح ۷ ص ۵۴۳ و آته ۴۲۶

۱- Captain William Patrick

۲- **تسمیق شگرف** - (اسم تاریخی اسب و سال تألیف آن ۱۲۰۰ هـ رامیرساند) در تاریخ دکن است و شامل مطالب جغرافیائی و تاریخی و آمارهائی راجع باستانهای مختلف دکن و نیز شرح سلطنت بهمنیه و حال مختصر حکومتهایی که بعد از آن حاندان موجود آمدند مانند عادلشاهی و قطبشاهی و در آخر حال سلاطین تیموری هند تا سال ۱۲۰۰ هـ است. شمیق این کتاب را بنام مسر ریچارد حاسن^۱ ریریدنت حیدرآباد عنوان کرده است. برای نسخ آن رجوع شود به ریو ج ۲ ص ۸۵۹ ب و اتد ۴۴۷ و ۴۴۸.

۳- **مآثر آصفی** - تاریخ حاندان آصفجاه نظام دکن از حواجه عابد (جد نظام الملك آصفجاه اول) تا آصفجاه سومی است و نیز شامل شرح شورشهای مرهته و حال امرا و راجاهای معاصر است. مؤلف آنرا ۱۲۰۸ هـ تألیف کرده است. برای نسخ آن رجوع شود به اتد ۴۶۸ و ایوانو ۱۹۶ و ریو ج ۳ ص ۱۰۳۹ الف.

۴- **مآثر حیدری** - (رجوع شود به محوزان بلند فکر - اردو)

۵- **نظام الغنایم** - اسم کتاب تاریخی اسب و سال تألیف آن ۱۲۲۴ هـ را میسراند این کتاب در تاریخ مرهتهها^۲ است. مؤلف بهرامیش سرجان ملکم^۲ آنرا تألیف کرده است که در آنوقت در حیدرآباد بود. برای نسخ آن رجوع شود به ریو ج ۱ ص ۲۲۸-۹ و آصفیه ج ۱ ص ۲۲۰؛ اتد ج ۲ ص ۱۸۱ و رها تاسک ص ۷۳.

۶- **حالات حیدرآباد**^۳ - تاریخ مختصر مساحد و قصور و باغات و غیره شهر حیدرآباد و نیز شامل شرح شهر بیدر و ورنگل است که مؤلف در ۱۲۱۴ هـ تألیف

۷- **خلاصه الهند**^۴ - برای نسخه آن رجوع شود به آصفیه

۲۳

۱- Mr Richard Johnson

۲- Sir John Malcolm

۳- ر. ک. مقدمه خمستان شعرا از مولانا عبدالحق ص ۸۱

۴- ر. ک. استوری ص ۸۱-۸۲ و ۴۱۶ و ۴۱۷

بـ تذکره

۱- **چمنستان شعراء** : اسم کتاب تاریخی است و سال تألیف ۱۱۷۵ هـ را می‌رساند. این تذکره شعرای اردو است که مؤلف پسن ۱۸ سالگی بترتیب الفبائی بزبان فارسی نوشته است. در ۱۹۲۸ هـ در اورنگ آباد چاپ شده است .

۲- **شام غریبان** - تذکره شعرای فارسی ایرانی الاصل است که بعلمی وارد هندوستان شدند. نسخه‌ای از این کتاب امروز موجود نیست.

۳- **گل رعنا** - تذکره مورد بحث .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۱۸۱ هـ آغاز کرده است چنانکه قطعه زیر می‌رساند :

از قوم مسلمین و فریق هندوست	تو ک قلم لالی بحر سخنوران
از باغ طبع سررده «رعنا غلی شکفت»	تاریخ این صحیفه رنگین سحر گهی
(= ۱۱۸۱ هـ)	

همچنین در پایان کتاب این قطعه را آورده است که سال اتمام کتاب ۱۱۸۲ هـ را می‌رساند:

بچه اسلوب تازه شد مرقوم	این کتاب مناقب شعرا
گفت تاریخ « نامه مختوم »	از پی ختم این صحیفه شفیق
(= ۱۱۸۲ هـ)	

مؤلف در پاره سب تألیف در دیباچه کتاب چنین توضیح داده است:

«الحال که شهر احدی و ثمانین و مایه‌والهاست بخاطر فاتر آورد که کتابی ترتیب باید داد مشتمل بر موروانی که مولد و مشای ایشان هندوستانست و عندلیبانی که گلزمین ایجاد ایشان این بوستان و آنرا بر دو فصل منقسم باید ساخت اول در سخن طرزان اسلامیان و دوم در نکته پردازان اصنامیان»

مؤلف اسم کتابهای زیر را در دیباچه کتاب آورده است که در تألیف این کتاب مورد استعاده وی قرار گرفته است .

۱- مرآت الخیال تألیف شیرخان لودی .

۲- کلمات الشعرا تألیف سرخوش دهلوی .

۳- همیشه بهار تألیف اخلاص دهلوی .

۴- حیات الشعرا تألیف محمدعلی خان کشمیری .

۵- ریاض الشعرا تألیف واله داعستانی

۶- تذکره خوشگو (فصل ثالث)

۷- مجمع العایس تألیف سراج الدین آرزو .

۱۰ و ۹- ۱- ید بیضا و سروآراد و حرانۀ عامره تألیف آزاد بلگرامی .

۱۱- تذکرۀ بی نظیر تألیف میر عبدالوهاب دولت آبادی

۱۲- مردم دیده تألیف عبدالحکیم حاکم لاهوری

این تذکره مشتمل است بر . . . (۹) شاعر فارسی هدا عم از اینکۀ احداث آنها از

ایران آمده مقیم هند شدند یا اصلاً اهل هندوستان بودند و مشتمل است بر دو فصل

فصل اول شامل ذکر شعرای مسلمان است که با «میر غلام علی آزاد» شروع شده یا

«میریوسف بلگرامی» تمام میشود و فصل دوم شامل ذکر شعرای هندو است و

با «اچلداس» شروع شده با «هنر (گیان رای)» تمام میشود .

شرح حال آزاد خیلی مفصل و تقریباً ارسایر شعرا معصّل تراست و همچنین

شرح حال اکبر تقریباً در ۴۸ ص آمده است که ارسایرین معصّل تراست .

اشعار و شرح حال عده زیادی از شعرا را معصّل آورده است و گاهی مختصر

ولی جامع و حاوی اطلاعات مفیدی میباشد

اشعار بعضی شعراء را با اشعار دیگران مقایسه نموده است مثلاً در ذیل نام

«وارسته سیالکوتی» اشعارش را با اشعار حاکم و حافظ مقایسه نموده است .

همچنین گاهی بعضی مطالب را شرح داده است مثلاً در دیل نام محمد افضل ثابت در قصیده‌ای که اصطلاحات طبی و تلمیحات تاریخی به فراوانی بکار رفته آنرا شرح داده است.

سبک انشای مؤلف اکثر ساده است اما گاهی مخصوصاً در مقدمه شعر مصنوع و حتی شعر مسجع بکار برده است

روپمرفته این تذکره دارای اهمیت و فواید زیادی است و محتویات آن مورد اعتبار و اعتماد است چون مؤلف در نوشتن آن خیلی دقت و توجه خاصی بخرج داده است مخصوصاً قسمت شعرای معاصرین مفصل‌تر و باارزش‌تر آورده است

سخن خطی

۱- بانکی پور ج ۱ ص ۷۰۱ (مورخ ۱۲۰۴ فصلی).

۲- اندیا آفس ۳-۳۶۹۲

۳- ریو ج ۳ ص ۹۷۷ ب (قسمتی از فصل اول - قرن ۱۸م)

۴- آصفیه ج ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۸۳ (تأخرف و ف).

۵- هراتسک ص ۱۶۱ ش ۱۲۱ (کامل) و ش ۱۲۲ (ناقص - تأخرف و ف).

۶- کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی ش دفتر ۳۵/۳/۴

۷- دانشگاه پنجاب لاهور (حیلی کرم خورده است و اکثر عبارات از کرم -

خوردگی خوانده نمیشود).

چاپ

فصل دوم (مشمول بر ذکر شعرای هندو) انجمن ترقی اردو حیدرآباد دکن

فهرست اسامی شعرا

فصل اول رجوع شود به ریو ج ۳ ص ۹۷۷ . و فصل دوم رجوع شود به

۱- این نسخه در فهرست آته ذکر نشده است . و ك استوری ج ۱ ق ۱ ص xvi

در دیل عبارت .I.O.

بانکی پور ج ۸ ص ۱۲۹-۱۳۴ .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به «گلرغنا» و حقیقت های هندوستان و
تتایح الافکار و سخنوران بلنه فکر (اردو) و مقدمه چمنستان شعرا از مولوی عبدالحق
(اردو) و بانکی پور ج ۸ و استوری ص ۴۷۶-۸ .

شام غریبان

مؤلف :

این کتاب را شفیق مؤلف «گلرغنا» سال ۱۱۸۲ هـ تألیف نموده است.

بصره بر کتاب

این کتاب تذکره شعرای فارسی است که اصلاً ایرانی بودند اما بعضی وارد
هندوستان گشته اند. شرح حال شعرا مختصر ولی حال و معین است و انتخاب اشعار
بیر حوسب و گاهی مؤلف بعضی نکات را درباره برخی اشعار توضیح داده است.
سخنهای از این کتاب امروز پیدا نیست . دیو در دیل «گلرغنا» درباره این
کتاب تذکر داده است (رجوع شود به دیو ج ۳ ص ۱۰۸۵ ب)

تذکره یوسف علیخان

مؤلف

اسم مؤلف یوسف علیخان و اسم پدرش غلام علی خان است.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در مرشدآباد بسال ۱۱۸۴ هـ با تمام رسائیده است. این تذکره تکمله کتاب «حدیقه الصفا» اثر دیگر مؤلف میباشد و مشتملست بر خاتمه ای که آنرا «تذکره یوسف علیخان» میگویند. این کتاب را مؤلف بعنوان تکمله «مجمع العایس» آرزو تألیف کرده است و در این تذکره شرح حال و نمونه اشعار مختصر تقریباً سیصد شاعر متقدم و متأخر و در ذیل تتمه ای شرح حال و نمونه اشعار بیست شاعر معاصر را که در تذکره سابق الذکر آرزو نیامشده آورده است و اهمیت این تذکره تنها در ذکر شعرای معاصر میباشد.

نسخ خطی

۱- اشپرنگر ۶۲

۲- نادلین ۱۱۸ (مخط مؤلف)

۳- برلن ۶۶۱ (مورخ ۱۲۱۳ هـ)

۴- بانکوی پورج ۶ ص ۴۸۰ (تتمه دارد - قرن ۱۹ م)

۵- ایوانو ۴۵

برای فهرست اسامی ۲۰ شاعر که در «تتمه» آمده است رجوع شود

به اشپرنگر ص ۴-۱۹۳.

مجموعه عشق

یا «چهار چمن» یا «باغ گل‌های حسن»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب شیخ غلام محی‌الدین قریشی میرتنی است که اول مبتلا تخلص می‌کرد و بعد تخلص عشق را اختیار کرد. پدرش شیخ نعمت‌الله متخلص به «نعمی» بود و عشق بسن‌دوآوردن سالگی در تدوین دیوان قطور پدر خود کفایت کرد. عشق دوق شعر را از پدر بارت برده بود و خودش نیز دیوانی ترتیب داده که در آن دیوان مبتلا تخلص آورده است. عشق با وجودیکه اکثر اوقات خود را در تیراندازی صرف می‌کرد ولی هیچگاه در موقع بیکاری از مطالعه کتب مختلفه غافل نبوده. وقتی که شاه‌عالم (۱۱۷۳-۱۲۰۲ هـ) از بنه (ط اراله آباد) به دهلی رفت (در ۱۱۸۵ هـ) وی بایکی از درباریان پادشاه مرپور دوست شد که لقب وی نواب نجف‌خان و اسمش ابراهیم بیگ و تخلص وی عالم بود و به پیشنهاد نواب نجف‌خان مرپور عشق دیوانی دیگر ترتیب داد و در دیوان مرپور تخلص عشق را اختیار کرده است و همچنین عشق بهرامیش صاحب خان مشوی فسون عشق را که داستان «شاهرخ و ماهرخ» را بیان میکند سرود.

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱- مجموعه عشق - تذکره مورد بحث
- ۲- دو دیوان فارسی با تخلص مبتلا و عشق
- ۳- مشوی «فسون عشق» (در بیان داستان شاهرخ و ماهرخ).

۵- نسخه سراین حدیث تاریخ گوئی

۶- بحارالتشريح- تأليف سال ۱۲۲۰ هـ

۷- عشیات العشق در باره تصوف تأليف ۱۲۲۰ هـ

۸- طبعات سخن- تذکره ديگر فارسی و اردو .

«مجموعه عشق» یا «چهارچمن» یا «باغ گلهاي حسن» تذکره فارسی است که ۱۲۸۰ صفحه دارد (رجوع شود به اشیرنگر). مؤلف این کتاب را سال ۱۱۸۲ هـ تأليف نموده است. چنانکه نام این کتاب «باغ گلهاي حسن» از روی احمد میرساند

سخنه خطی

برای نسخه منحصر بفر داین تذکره رجوع شود به فهرست علیگره مسجن الله ص ۵۳ ش ۸ .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به طبعات سخن تحت عشق و مستلا و مجموعه نعرج ۱ ص ۴۰۱ و اشیرنگر ص ۱۸۷ و استوری ص ۴- ۸۸۳
فهرست اسامی شعرا در هیچ کتاب ذکر نشده است

لب لباب

ابتدا

حمدی مرادرو صمت اذیناع سرای باز گاه کلیمی است که اندتذکره للمعتبر
کلام ..

مؤلف

اسم مؤلف قمرالدین علی بن ذوالله الحسینی الماصری است

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۲ ربیع ۱۱۹۴ هـ برای آقای رجارد حاسن^۱

ترتیب داده است.

این تذکره اصلاً خلاصه تذکره «ریاض الشعراء» است و تقریباً تمام شعرائی که در ریاض آمده است در این تذکره نیز ذکر شده است اما با این فرق که شرح حال شعراء و نمونه اشعارشان در تذکره «حیرسة محضر» آمده است. با وجود اینکه این کتاب اساساً خلاصه «ریاض الشعراء» میباشد اما مؤلف آن بعضی مطالب حائز اهمیت را در این کتاب افزوده است که در تذکره «ریاض الشعراء» نود و در این حیث این کتاب دارای اهمیت و ارزش بیشتری از «خلاصه ریاض الشعراء» میباشد.

ذکر شعراء در این کتاب نیز مانند «ریاض الشعراء» ترتیب الفبا آمده است اما برخلاف «ریاض الشعراء» که در «شیخ ابوالحسن حرقانی» شروع میشود این تذکره با ذکر «شیخ ابوسعید بن ابوالحیر» آغاز میگردد.

نسخه خطی

اته ش ۶۹۵ (مورخ ۱۱۹۴ هـ دارای ۲۳۶ برگ و صفحاتی ۱۵ سطر بخط

شکسته)

فهرست اسامی شعراء

در هیچ کتاب ذکر نشده است

انیس الاحبا

ابتدا

«ستایش بی حد و بیایش لاتعد سخن آفرینی را که بعمه کاف و بون چندین زمره گوناگون بر آورده و بمصداق کلمه فیکون هژده (هیجده) هزار عالم را ناطوار بوقلمون ظاهر کرده».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره موهن لعل متخلص به انیس است . اسم پدرش رای تولارام است که قابونگوی پرگه گوپامو در سرکار حیر آباد بوده است . مؤلف هندوی کایسته بود . اسم جدانیش دیوان اودهیراج بود . انیس ارشاگردان میرزا محمد فاخر مکی بود و در موقع تألیف این تذکره بیش از پنجاه سال بود که در خدمت حویلی لکنومصاف صوبه نصر نگر اود خدمت میکرد

تصویر بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۱۹۷ هـ نوشته است . چنانکه قطعه زیر که در حاتم کتاب آورده است میرساند

این نسخه که رشک باغ بی سعی حلیم
سالش در چمن طراد داش حستم
چون صاحب انیس از گل شعر بمیس
فی المور بگفت این بود باغ انیس
(= ۱۱۹۷ هـ)

۱- مؤلف در این تذکره همین قدر شرح حال خودش را آورده است و سپس در چندین صفحه پشت سر هم عباراتی سنک مصوع آورده است که منی و مطهر شکسته منی مؤلف میباشد اما هیچ اطلاعی را درباره زندگی وی نمیبسازد و نکلی بیجود و بی فائده

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه چنین توضیح داده است .

«منحی نماید که ... تذکره بویس موهن لعل ایس . (از شاگردان)
میرزا محمد مکین . بعد (از) ترتیب دیوان خیال آن داشت که چندی از اشعار
تلامذہ آنحضرت بامجمل احوال هریکی جمع نموده رساله بوضع تذکره باید
نگاشت تا حاضران را تذکری و آیندگان را یادگاری باشد اما تا حال از بعضی
عوارض این خیال در دل آره بود و این گره از خاطر نمیگشود . در پیولا که ...
دیوان نواب سرافرار الدوله ناظم الملك میرزا حسن رضاخان بهادر طهر جنگ نایب
وریر الممالک سلیمان رحمان سپهسالار شجاع الملك یحیی خان آصف الدوله بهادر هزبر
جنگ وزیر هندوستان^۱ یعنی قطام بخش کاروبار ملکی و عالی مهارجه تکبیت (یا تکت)
رأی بهادر معطله عالی (بوسیله) .. رأی سیدداس (که از دوستان اوست) این
احقر الناس .. (را) طلب فرمود (ومصاحف خود گردانید) . . اتفاقاً تذکره شیخ
المتأخرین شیخ محمد علی حریر . را مطالعه نموده و خواستند تذکره ای بطرز
آن تألیف شود . ایجانف ترتیب تذکره مذکور (را) بهر حالی که بود قبول کردم
و بنوشتن آن همت گماشتم .. مر این مجموعه را متضمن بافتتاح و فتح الباب و احتتام
و حسن خاتمه و مشتمل بر یک فصل و عاصله ساختم»

این تذکره کوچکی است مشتمل بر ذکر پنجاه^۲ شاعر (در ۱۸۷ صفحه کوچک^۳)

بدون هیچ ترتیب مخصوصی . این تذکره در اصل مندرج^۴ در ...

میرزا فاخر مکین (استاد مؤلف) و شاگردان او اما تیمنا اشعار و شرح حال عظیمای

اکسیر اصهبانی را سر در ابتدای این تذکره آورده است چون استاد مدینه افا

مکین بوده است

سجده اشپریگر حاوی دودت بوده بدین قرار . باب اول شامل ذکر سی

وسه شاعر مسلمان که اولشان «میرزا عظیمای اکسیر اصهبانی»^۵ است

۱- آصف الدوله از ۱۱۸۹ تا ۱۲۱۲ هـ نواب وریر اود بود .

۲- از روی نسخه دیوبند ص ۳۷۷ الف ۹۱ شاعر .

نورعلی واصلی» است و باب دوم شامل ذکرشش شاعر هندو است که اولشان برای سروپ سنگه دیوانه و آخرشان «موهن لعل ابیس (مؤلف)» میباشد. علاوه بر این مؤلف در حاتم‌مذکر یازده شاعر را آورده است که آنها شاگردان مکین بودند و اولشان «محمد حسن» و آخرشان «دیپی پرشاد سایل» است^۱

ترتیب نسخه اشپرنگر با نسخ ناکی پور و مجلس فرق دارد و ترتیب نسخ اخیرالذکر بدین قرار است^۲

افتتاح درد کر حال و اشعار میرزا عظیمای اکسیر اصعبانی استاد میرزا فاحر مکین.

فتح الباب درد کر حال و اشعار میرزا فاحر مکین

فصل «در بیان احوال و افکار مستفیدان آنحساب که محلی به پیرایه اسلامند» و شامل ذکر سی و یک شاعر مسلمان از شاگردان مکین است که اولشان «شاه عالم پادشاه متخلص به آفتاب» و آخرشان «میر نورعلی متخلص به و صلی» است

فاصله «درد کر احوال و اشعار شاگردانی که از فرقه هندو زیت بخش کلامند» و شامل ذکر شش شاعر هندو از شاگردان فاحر مکین است که اولشان «رأی سرب سکه دیوانه» و آخرشان «موهن لعل متخلص به ابیس (مؤلف)» میباشد

احتتام «محتویست باحوال و افکار شاگردان مسلمین تلامذه آنحساب و شامل ذکر بیست و شش مسلمان است که شاگردان فاحر مکین بوده اند و اول آنها «خواجہ محمد حسن حسن» و آخر آنها «میرزا ابراهیم بیگ متخلص به دوست» میباشد

و در حسن حاتمیه «مدکور است احوال و اشعار تلامذه هندو شاگردان فیض-

۱- ر ک نسخه اشپرنگر تر ۳۳

۲- همچنین ر ک نسخه ریو ج ۱ ص ۳۷۷ الف که در ۱۲۳۵ هـ قاتماً رسیده است و اضافه‌های زیادی دارد چنانکه در فصل پنجاه شاعر و در فاصله دوازده و در احتتام یازده و در حسن حاتمیه بیجده شاعر دارد و نسخه آن در ۱۲۳۷ هـ نوشته شده است

مآب» و مشتمل بر ذکرشش شاعر هندو است که شاگردش گردان فاخر حکین بودند و
اول آنها «خوشحال چندریان» و آخرشان «لاله داتارای متخلص به رفیق» است
مؤلف اشعار و شرح حال شعرائی را که در اول در زمره شاگردان حکین بودند اما
بعداً از گرفتن اصلاح ار او دست کشیدند در این تذکره بیاورده است چنانکه خودش
در مقدمه کتاب باین موضوع اشاره میکند

«ذکر اشخاصی که دل صاف نداشتند و بعد از گرفتن اصلاح سخن خود را از این
دولت محروم گذاشتند پس خاطر بیعتار و قلم اصاف رقم آنها را در این صفحه (صحیفه)
حانداده»

مؤلف در این تذکره هیچ حاسنی نکرده است اطلاعات مهمی را جمع بردگانی
شعرا را که خود با آنان از نزدیک معاشر یا معاشر بوده بنویسد و حتی سال تولد
و وفات عظیمای اکبر اصفهانی و سال ولادت فاحر مکی استاد خود را هم ذکر
نکرده است.

در سرتاسر کتاب تنها در ذیل تمام شعرای ریر سالها را ست کرده است که
به بعضی وقایع زندگی آنان اشاره میکند

در ذیل نام «محب» می نویسد «در سنه ۱۱۸۸ هـ ۰۰۰۵ بلکنور رسید».

« «فایض» «در سنه ۱۱۹۰ هـ ۰۰۰۵ این رباعی را در مدح گفته»

« «بیمار» «در سنه ۱۱۸۰ هـ ۰۰۰۵ ترک تعلق (از دنیا) نموده»

همچنین در ذیل نام شعرای زیر اسامی هائی به بعضی وقایع تاریخی موده است
که از آن میتوان سال تقریبی آن واقعه را بدست آورد

در ذیل نام سکر می نویسد بعد از (از) هنگامه احمد شاه ابدالی در بلکنور رسید»

»
ید»

حال میرزا محمد حرمانی را در (اص) و میرزا عظیمی اکبر نقیبی

را (درم- ۳ص) از همه مفصلت

همچنین اشعار منتخب خود را در (اص ۱۳) و میرزا محمد حرمانی (اص ۱۰)

از همه مفصل‌تر آورده است.

هم‌چنین اشعار شعرای ریر را تیر نسبة مفصل آورده است.

لطف‌علیخان باطق (در ۴ ص) حسن‌علیخان دهبین و عنایت بیگ ساکن و پنجاب
رای والی (هر کدام در ۵ ص) و برهان‌علیخان رهین (در ۶ ص) و محمدجعفرخان راضی
(در ۷ صفحه ۴)

مؤلف در مقدمه این کتاب دو ادعا کرده است اما هر دو را در تألیف این کتاب رعایت نکرده^۱

۱- ادعای اول مؤلف راجع بسک خود است. مؤلف میگوید: «و دل از تکلفات
عبارت مشیانه و اشارات حریفانه و طریقه‌ها پر داختم (حالی کردم) که مراد ادای
مطلب است نه اظهار ادب و غیر ادب»

اما متأسفانه سک اشای مؤلف در این کتاب با مدارهای پر تکلف و پر صبح
اسب که غالباً در ردیل شرح حال شعر اطناب بیخود و عبارت پردازی بی‌معنی جای مطالب
لایم را گرفته است و ناززترین دلیل آن شرح حال خود مؤلف است در ردیل نام ابیس که
بعثت همین عبارت پردازی و تصنع هیچ اطلاعی در باره سال ولادت و تحصیلات و خدمات
و غیره مؤلف را بهم نمیرساند

۲- ادعای دوم مؤلف راجع به عدم مبالغه و اغراق است چنانکه خودش میگوید:
«این هیچمدان که چنین شعل (را) پیش گرفته محض برای تد کار دوستانست و
سبک‌دوشی خود از حقوق ایشان احوال هر یک بی‌کم و کاست نگاشته و هر گز رعایت
طرف دوستی منظور نداشته و در این امر معاف و معذور است که تکلف و مبالغه از دیانت و
راستی دور است»

اما اکثر شعراء را که اشعار بسیاری از آنها بی‌اهمیت و ارزش میباشد بالقاب
پر تکلفی یاد کرده است مخصوصاً در ردیل نام میرزا عطیمای اکسیر اصفهانی و میرزا
محمد قاهر مکی در آوردن القاب و تعریف باین اندازه مبالغه ورزیده است که از آن
عبارات غیر ارتکف و تعریف بیخود و بی‌جهت مقصود و منظور دیگری پیدا نیست همچین

در تعریف شعرای دیگر نیز خیلی غلو کرده و اکثر تعریف آنها اغراق آمیز است. با اسم و تخلص هر شاعر بعضی القاب در تعریف وی بنثر مسجع آورده است همانند: «والا دوده ان شمع شستان فضل و کمال و گل سرسند دولت و اقبال کمال آئین محمد برهان علیخان درهن».

«بزرگی شعار عالی تبار صاحبزادی صائب محمد حمر حار راغب».
سک اشای مؤلف در دلیل نام اکثر شعرای پر تکلف و مصنوع است و مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف اشعار تصع بیشتری بچشم میخورد. نثر مصنوع این تذکره آئینه دوق مشکل پسندی آن دور میباشند.

هم چنین اشعار منتخب این تذکره نیز نمودار دوق آن زمان است و رویهم رفته

د

این تذکره کوچک مشتملست بر ذکر بعضی شعرائی که در تذکره های دیگر اسامی آنان یافت نمیشود. مؤلف احوال و نمونه آثار شاگردان استاد خود فاخر مکین و شاگرد شاگردان وی را در این تذکره جمع آوری نهوده است و شعرای خوب را ازین آنان انتخاب نکرده و در نتیجه بعضی شعرای مستدی و قاره کار را نیز در این تذکره ذکر نموده است. هم چنین چون در ترتیب این تذکره نظر و منظوری داشته و آن جمع آوری اشعار استاد خود و شاگردان او بوده بنا بر این هیچ حاحر حویبی و تعریف اسم آنها را برده و هیچوقت بر اشعار آنان انتقاد نموده است.

سخ خطی

۱- اشرف نگر ش ۳۳

۲- ریوج ۱ ص ۳۷۶ الف (مورخ قرن ۱۸م - طاهر آبه خط مؤلف یا نا تجدید نظر مؤلف) ص ۳۷۷ الف (نا تجدید نظر و اضافه هائی - آغاز در ۹۰-۹۱ و اتمام در ۱۲۳۵هـ) نایبجاه ساعر در فصل ۱۲ در فاصله و ۱۱ در احتتم و ۱۸ در حسن حاتم -

مورخ ۱۲۳۷ هـ

۳- برلن

۴- بانکی پور ح ۸ ش ۷۰۳ (قرن ۱۹ م)

۵- مجلس تهران (= کتابخانه شخصی استاد سعید نفیسی در تهران).

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به ابوس الاحماء و تالیح الافکار (ماه بیچ جا

شرح حال معصل وی بیامده است)

فهرست اسامی

نسخه اول (مورخ ۱۱۹۷ هـ) رجوع شود به اشپرتگر ص ۳-۱۶۲.



حلاصة الکلام

ابتدا

« تعالی اله ماقاصر فهمان کوتاه بیان را چه یارا که زبان بخدمت ثنای و تکلم
بی زبان توایم گشود و دات بی نشان مدع کون و مکان را که بهم و ادراک و عارت
در بگنجد دانیم ستود»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تد کوه علی ابراهیم خان و تحلیص وی حلیل^۱ و القاب
او نواب امین الدوله عزیز الملک خان بهادر ناصر جنگ اسب و سلسله سبش
به دوا رده واسطه به شیخ شمس الدین فریاد رس لودی میرسد که در زمان مخدوم اشرف
چپا سگیر کچه چپاوی وارد هندوستان گردیدند در تصوف شاگرد و مرید مخدوم مر پور
بود شیخ فریاد رس در ۷۹۰ هجری فوت کرد و مرادش در ضلع (شهرستان) فیض آباد
در شمال غربی دریاچه ایتوه زیارت گاه خاص و عام اسب

۱- دکتر روردر حاشیه مقدمه دگلس هند، تحلیص علی ابراهیم خان حلیل را دعلی، نوشته

است که دوست نیست

یکی از اجداد خلیل بنام منجهوشید که نسبش در پشت پنجم به شیخ فریادرس میرسد موقعیکه از اود بجانب بهار میرفت بعضی از کهار وی را شهید کردند. خانم او پهلویی و دو پسر او بنام شیخ مصطفی و شیخ جنید به صوبه (استان) بهار رفته در قصبه شیخ پوره (یا شیخ پوره) در ضلع (شهرستان) مونگیر اقامت گریزند. بعد از وفات شیخ مصطفی اولاد او اخلاف وی در عظیم آباد (پتنه) متوطن گشتند و در محله های دونی گهات و غیره سکونت گزیدند شیخ محمد رضا پدر خلیل هم از اولاد شیخ مصطفی مزبور بود. خلیل در حدود ۱۱۴۸ هـ در عظیم آباد (پتنه) متولد شد قاضی عبدالودود در مقدمه دیوان رضا می نویسد «در مقدمه دیوان حوشش آمده است که خانواده مادری مصطف تد کره (گلزار ابراهیم) از عظیم آباد بود اما صحیح اینست که مولوی نصیر خد مادری علی ابراهیم خلیل اهل شیخ پوره بود و بعد از مراجعت از ایران در عظیم آباد رحل اقامت افکند. (رجوع شونده سیر المتأخرین چاپ نول کشور لکهنوس ۶۱۱).

اسم پدر خلیل خواجه عبدالحکیم بود خلیل هنوز هفت ساله بود که از سایه پدر محروم گشت و کار تعلیم و تربیت وی بعهده داود علی خان عرف زایر حسین خان دائی او محول شد و خلیل در اول کتسعر بی و فارسی را برد وی خواند. وی طبیعت شاعر بود و از کودکی مقبت و مرثیه های ائمه را میسرود. از این جا پیدا شد که وی مذهب شیعه داشت

در ۱۱۶۱ هـ (مطابق ۱۷۴۸ م) داود علی خان بقصد حج و زیارت عتبات عالیه عازم کلکته شد. چون آنجا رسید مدتی در شهر کلکته توقف نمود. آنجا نواب علی وردی خان مهاجر جنگ دوست قدیمی وی ناظم سنگاله و بهار واریسه^۲ بود. داود علی خان ابراهیم خان خلیل را که همراه خود بکلکته آورده بود به علی وردی خان مر نور سپرد و خلیل تحصیلات خود را در مرتد آباد بی پایان رسانید.

۱- شیخ پوره ضلع مونگیر ریک بهارمیں اردو زبان و ادب کارتنا ۱۸۵۷ تک

زبان اردو کتر آختر اورپوی چاپ پتنه ۱۹۵۷ م.

۲- اسم صوبه (استان) هندوستان

در ۱۱۳۴ هـ (مطابق ۱۷۶۱ م) موقعیکه انگلیسها میر جعفر را معرول کرده و میر قاسم را بر مسند نظامت (بنگال) نشانندند میر قاسم مزبور خلیل را بعنوان مشیر خود انتخاب نمود و بدارونگی «داغ و صحیحه» مأمور کرد. دکتر اختر اورینوی^۱ مینویسد که خلیل وزیر نواب میر قاسم علی خان عالیجاه بوده و مدتی صوبه دار (استاندار) عظیم آباد (پتنه) و نایب ناظم آنجا بود. بعد از اینکه دوره «عالیجاه» سپری شد از نواب اود شجاع الدوله جدا شد و مرشد آباد رفت.

سپس تامدتی خلیل در گوشه عزلت و انزوا سر برد تا اینکه در ۱۱۷۷ هـ (مطابق ۱۷۶۳ م) بعد از فوت میر جعفر انگلیسها صبح الدوله را بر مسند نظامت (بنگال) نشانندند و نواب مظفر جنگ محمد رضا خان بهادر را نایب مدارالمهام او مقرر کردند مظفر جنگ مزبور خلیل را برای نیابت خود و سمت امامت انتخاب نمود. اما چون در سه ۱۱۸۳ هـ (مطابق ۱۷۶۹ م) مبارک الدوله پسر یانجمین میر جعفر بر مسند نظامت حلوس کرد خلیل با او توافق نظر نداشت و بالاخره مجبور بایستعما شد.

در مدت ۱۱۸۳ تا ۱۱۹۴ هـ خلیل اوقات خود را بیشتر در مشاعل ادبی و کار تصنیف و تألیف صرف میکرد. در ۱۱۹۵ هـ (مطابق ۱۷۸۰ م) لرد وارن هیستنگر^۲ گورنر جنرال (فرمانروای کل) هندوستان که از رفقای خلیل بود او را همراه خود به لکنو برده به نواب آصف الدوله بهادر نواب وزیر او در (۱۱۸۹-۱۲۱۲ هـ) معرفی کرد و نواب او را خلعت فاخر عطا کرد. سپس در ۱۱۹۶ هـ شاه عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۲ هـ) خلیل را لقب «امین الدوله عربی الملك نصیر جنگ» عطا کرد و وی را حاگیری میر بخشید

در ۱۲۰۶ هـ (مطابق ۱۷۹۱ م) خلیل از طرف کمپانی هند شرقی بتوصیه پیشهاد

۱- رک بهارمیں اردو زبان و ادب کا ارتقا ۱۸۵۷ تک، برمان اردو اردو کتر اختر

اورینوی چاپ پتنه ۱۹۵۷ م.

۲- لرد وارن هستنگر (Lord Warren Hastings) ارسال ۱۱۸۶ تا ۱۲۰۰ هـ

از طرف کمپانی هند شرقی گورنر جنرال (فرمانروای کل) هندوستان بود.

لرد هیستنگر دادستان عالی ضلع بنارس مأمور و حقوق وی دو هزار روپیه ماهیانه
مقرر شد پس وی با حقوق پانصد روپیه ماهیانه نایب او انتخاب شد. در زمان فرمانروائی
کل لرد کارنوالس^۱ خلیل گورنر (استاندار) بنارس شد.

در مدتی که خلیل در بنارس مأموریت داشت وی همواره مشغول کار تصنیف و
تألیف بود چنانکه تذکره‌های خلاصه الکلام و صحف ابراهیم و گلزار خلیل را
در زمان اقامت در بنارس تألیف نمود.

خلیل در ۲۶ جمادی الاول ۱۲۰۸ هـ (مطابق اول دسامبر ۱۷۹۳ م) در بنارس
فوت کرد و پهلوی مرقد شیخ علی حرین در قطعه زمینی که خودش برای این منظور
خریداری کرده بود دفن شد. هسیو دتاسی سالوفات خلیل را ۱۷۹۳ یا ۱۷۹۴ مطابق
۱۲۰۸ هـ صط نموده است و حرأت مصرع زیر را در تاریخ فوت خلیل بزبان
اردو سروده است .

«لو آه متا مطلع دیوان عدالت» (یعنی: آه مطلع دیوان عدالت معجوشد).

آثار مؤلف

۱- صحف ابراهیم - تذکره دیگر شعری فارسی (رجوع شود به بحث درباره
صحف ابراهیم در این کتاب)
۲- خلاصه الکلام - تذکره مورد بحث.

۳- گلزار ابراهیم - تذکره قریب به سیصد تن از شعرای ریخته (اردو) که خلیل
در ۱۱۹۸ هـ با تمام رسانیده است برای سح آر رجوع شود به اشیر نگر ۴۵ و بادلین ۳۹۸
و ریو ح ۱ ص ۳۷۵ ب (قرن ۱۸ م) و ح ۳ ص ۱۰۶۹ الف (قرن ۱۹ م) و نانکی پور ح ۸
ص ۷۰۲ (۱۲۲۰ هـ) و ایوانو تکلمه اول ۷۶۸ (قرن ۱۹ م) و برای ترجمه آن که بهر مایش
گلکریست بعمل آمده است رجوع شود به براون دیل ش ۱۰۸۴ .

۴- دیوان اردو

۱- لرد کارنوالس (Lord Cornwallis) از سال ۱۷۰۰ تا ۲۰۸۱ هـ از طرف
کمیسیون هند شرقی گورنر حوال (فرمانروای کل) هندوستان بود .

۵ - وقایع جنگ مرهته - کتابیست در باره جنگ مرهته ها که در بین ۱۱۷۱ و ۱۱۹۱ هـ روی داد و خلیل این کتاب را در زمان لرد کارنوالس در ۱۲۰۱ هـ تالیف نموده است و سرگرد فلر آنرا از زبان انگلیسی ترجمه کرده است .

۶ - رساله ای راجع به شورش راجه چیت سنگه که حاکم بنارس بوده اما چون خلیل بقول خودش یکی از خیر خواهان کمپانی انگلیسی بود بنا بر این مطالب این کتاب را نمیتوان خالی از تعصب و عرض شمرد .

۷ - مکاتیب - مجموعه ای از نامه های خلیل در موزه بریتانیا موجود است که سنی وقایع سیاسی زمانه ولفرا روشن میسازد .

تبصره بر کتاب

مؤلف تالیف این کتاب را در سال شانزدهم خلوس شاه عالم مطابق ۱۱۸۷ هـ آغاز و در سال بیست و هفتم خلوس شاه عالم مطابق ۱۹۸ هـ با تمام رسانیده است در تالیف این کتاب کتابهای دیل مورد استفاده مؤلف قرار گرفته است

۱ - تذکره دولتشاه

۲ - خلاصه الأشعار (و ردة افکار)

۳ - مآثر رحیمی

۴ - تذکره طاهر مصر آبادی

۵ - عرفات العاشقین

۶ - تذکره باطم قریزی

۷ - کلمات الشعرا

۸ - مجمع النعائیس

۹ - ریاض الشعرا

۱۰ - تذکره شیخ علی حرین

۱۱ - سرو آرد

۱۲ - صفحات الالاس حامی

۱۳ - نقایس المآثر

این تذکره مشتمل است بر دگر احوال و اشعار همتاد و هشت شاعر ترتیب العبا از روی حروف ازل اسم بریا تحلیص شاعر در دو جلد و جلد اول آن با «استاد الشعرا حکیم اسدی طوسی» شروع شده با «حمال الدین صمیری» تمام میشود و جلد دوم آن با «ملا طهرای مشهدی» شروع شده با «یحیی کاشی» تمام میشود و شامل دگر شعرائیست که

بقارسی مثنوی سروده اند و در این قسمت ممتاز و معروف بوده اند. مؤلف این کتاب شعر از آنها
از مثنوی نقل کرده است. (هر جلد این کتاب مشتملست تقریباً بر دو هزار و پنجاه صفحه).
در دیباچه کتاب مؤلف درباره تعریف شعر و علاقه خود بشعر گوئی و مطالعات
وی در این زمینه شرح مفصل آورده است و هم چنین فواید و محصلات تذکره خود را ذکر
نموده است

شرح حال اکثر شعرا را مختصر نقل کرده است که غالباً مشتمل است بر ده
دوازده سطر و در ذیل حریر و عطا شرح حال آنها را در دو صفحه و در ذیل نام مولانا رومی
شرح حال او را در ۲-۳ صفحه آورده است که مفصل تر از همه میباشد.
اشعار منتخب از شعرا غالباً مفصل نقل کرده است و رویهم رفته اشعار منتخب
از حامی را که بالغ بر شش هزار و چهل و هشت بیت میباشد (در صد و چهل و چهار صفحه)
مفصل تر از همه آورده است.

در ذیل شرح حال شعرا اکثر اطلاعات مهم راجع بر بدگامی آنها مانند سال
ولادت و ویات و غیره را بهم رسانیده و اسم آثار آنها را نیز غالباً مفصل ذکر کرده است
در این تذکره بعضی اشعار منتخب از شعرا صط شده است که کلی نادر یا کمیابست
مانند انتخاب از «داد المسافرین» و «ساقی نامه» از ابراهیم ادهم و «ساقی نامه» رضا و
بعضی اشعار منتخب از «معراج الحیال» تحلی «وطوطی نامه» حامد لاهوری و مثنوی پای
ناب و آشا و ابراهیم دهلوی و خالص و جواهری که در بی و دانی و حدیث و حدیث و حدیث
آرزو

در ذیل نام بعضی شعرا احتلاقی که در این اقوال تذکره در بیس در بیس امری
داشت نوشته و حمیت امر را آنچه که خود عقیده داشت بر ذکر نموده است
در ذیل نام شیخ کنالدین اوحدی مراغه ای سال وفات او را حدیث نگه در نشانه و آرزو و
تقی حسینی دگری و حامی و واله و عارف الدوله فرویزی در تذکره های خود آورده اند
نقل کرده است و سپس عقیده خود را در مورد آن بر ذکر کرده است.

مکاتباتی مؤلف در دیباچه مصبوع و تکلف آمیز است اما در شرح حال شعرا غالباً

ساده و غیر مصنوع است. البته گاهی در موقع تعریف و توصیف شعرا اثر مصنوع و حتی گاهی مسجع را بکار برده است مانند «ملاطعرای مشهدی». طغرای منشور سحنوری و سرلوح دیوان نکته پروری».

رو به رفته این کتاب در موضوع خود خیلی مهم و با ارزش است. تنها تذکره‌های دیگر که درباره قسمی از اقسام مثنوی نوشته شده است یکی میخانه است که تنها در باره «ساقی نامه» می باشد و دیگر «هفت آسمان» که در باره مثنوی گویا است اما حیف که تنها یک «آسمان» آن که مشتمل بر ذکر تنها یک نوع از انواع مثنوی می باشد بطبع رسیده است و آسمانهای دیگر که مشتمل بر شش نوع دیگر مثنوی بوده ظاهراً تمام نشده و هیچ وقت چاپ شده است.

نسخ خطی

۱- بانک پورج ۸ ش ۵-۷۰۴ (این نسخه در دو جلد است. جلد اول آن ناقص الاخر است و یا «اسدی» شروع شده با امیر خسرو و «تمام میشود ولی جلد دوم آن کامل است و یا «ملاطعرای مشهدی» شروع شده با «میریحیی کاشی» تمام میشود و هم چنین جلد اول بعضی اشعار «شیرین خسرو» امیر خسرو و در شعرائی از حرف هداال قاصد را کسر دارد) و ش ۶-۷۰۶ (شرح حال شعراء را ندارد مورخ قرن ۱۹ میلادی).

۲- بادلین ۳۹۰ (مورخ ۱۲۴۶ هـ)

۳- لندریا نا ص ۱۷۷ ش ۲۱۸ (مورخ تقریباً ۱۲۷۹ م)

برای شرح حال مولف رجوع شود به تذکره گلشن همد (که در حاشیه مقدمه آن دکتر محی الدین روز شرح حال و آثار خلیل را بر زبان اردو نوشته است) و تاریخ شعرای بهار تالیف عمریرالدین بلخی و سیر المتأخرین چاپ بولکشور ص ۶۱۱ و «بهار میں اردو زبان و ادب کا ارتقا ۱۸۵۷ء تک» (تحويل و تکامل زبان و ادب اردو در ۴۰ تا ۱۸۵۷ میلادی) نایدو تالیف کترسید احمد احترا و رینوی رئیس قسمت اردو دانشگاه پته چاپ پته مارس ۱۹۵۷ میلادی ص ۶-۳۲۴ و مسیودتاسی.

تذکر

اکثر مطالب دراجع بشرح حال علی ابراهیم خان خلیل‌دا آقای پروفیسور سعید حسن استاد زبان فارسی در مؤسسه تحقیق فارسی و عربی بهار (پشه) هندوستان بعد از پریش و تفتیش و تحقیق از خواواده جلیل و رفقای بردیک خلیل و منابع معتبر دیگر بدعت آورده و با کمال لطف برای نگارنده این رساله ارسال فرموده و نگارنده از این زحمت و احسان و همکاری پروفیسور دانشمند بسیار ممنون است.

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به نادلین ش ۳۹۰ - ۲۹۵ - ۳۰۲ و نانکی پور ج ۸ ص ۱۳۸ - ۱۴۶ (غیر از حروف «د» «الی» «ص»)

عقد ثریا

ابتدا

اول که زبان سلسله جنبای کرد
از سلسله طرّفه سخن زایی کرد

بهر که حمد و حجه جو محمد عثمان
داده در بعد و مقصد جوانی کرد

طایر تیر پرو هم و خیال انسان سست سبب راجه یازا که نوح هوای محمدتو
تسای ماری عراسمه نال پرواز تو اند گسود و مرغ آسمان سیر اندیشه آدمی خاک کی ترا در ا
چه طاقت که بعوت تیر پری و بلند پروای ادراک خود را در همراشین عنقای معرف
تواند نمود

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره شیخ علامه همدانی متخلص به مصحفی است و اسم پدر

ولی مصدبن درویش محمد است. وطن آبائی او امروها^۱ (هندوستان) و مولدش هم امروهاست^۲. مولانا حسرت موهانی در تذکره خود ولادت مصحفی را در سال ۱۱۶۴ هـ نوشته است ولی مصحفی در «ریاض الفصحاء» (تذکره شعرای ارد) در ذیل شرح حال خود مینویسد که سر وی در آنوقت هشتاد سال بود و تألیف تذکره مذکور را در سال ۱۲۲۹ هـ آغاز و در سال ۱۲۳۶ هـ تمام کرده است. یدیهجته سال ولادتش میان سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۶ هـ اتفاق افتاده است هم چنین چون مصحفی بر وایت شیفته در ۱۲۴ هـ در ۸۴ سالگی فوت کرده است بنا بر این سال تولد وی ۱۱۴۶ هـ میباشد.

تحصیلات مدماتی وی در امروها و تکمیل تحصیلات نظم و شربسن سی سالگی در دهلی صورت گرفت. در آخر عمر قرآن و تفسیر و ادبیات عربی را فرا گرفت و علم عروض و قافیه را از کلام و اشعار استادان سخن یاد گرفته

مصحفی در عنوان شبان (در حدود ۱۹۰۰ هـ) دهلی رفت و آموزش وی همانجا صورت گرفت. در دهلی در مجالس مشاعره^۳ شرکت میکرد و شعرای معروف آنوقت در منزل مصحفی بی جمع میشدند و وی در دهلی دو ارد سال بار دو شعر میسرود ولی قبل از این بیشتر مایل شعر فارسی بود

چون اوضاع دهلی مشوش شد مصحفی شهر قاندر رفت و از آنجا در حدود ۱۲۰۱ هـ به لکهنوم جرت نمود و در آن شهر در حدود سال ۱۲۰۷ هـ توسطه میرانشا وارد دربار صاحب عالم شد که دربار وی در آن ایام مرکز شعر و سخن بود. بقول گارس دتاسی مری مصحفی شاهراده سلیمان شکوه پسر دوم شاه عالم بانی بوده است.

۱- در ۲۰ میلی شمال شهر مراد آباد

۲- بقول گرهام بیلی وی اصلاً از امروها بود ولی در جوانی دهلی رفت و آنجا از وطن خود می گشت. بر وایت گارس دتاسی وی در لکهنوم متولد شد و بقول سکینه وی در اکبرپور متولد شد اما دو محل باین نام مشهور است یکی در دیک شهر فیص آباد و دیگر در دیک کاپور. بقول شیفته وی در دهلی متولد شد اما قول گرهام بیلی صحیح است و دیگران اشتباه کرده اند

۳- مشاعره مجلس ادبی را میگویند که در آن شعرا سر میخوانند و همور هم در هندوستان و پاکستان چنین مجالس ادبی معمول است.

تألف و تدکړه گلشن هنده (اردو) مینویسد «مهلا که ۱۲۱۵ هـ است چهارده سال است که اوقات خود را در لکهنو بسر میبرد ، صیق معاش آنجا از مدتی مصیب اهل کمال است و همین طور حال این غریبم در هم بر هم است» (ترجمه از اردو) . در تدکړه «نتایج الافکار» سال فوت مصحفی ۱۲۵۰ هـ ذکر شده است .
 شیفته در تدکړه خود مینویسد که در سال ۱۲۴۰ هـ که مصحفی فوت کرده و تدکړه شیفته در سال ۱۲۵۰ هـ تالیف شده است و سایر این سال وفات مصحفی ۱۲۴۰ هـ است .
 وفات وی سن ۸۴ سالگی در لکهنو اتفاق افتاد «در شمع انجمن» هم همین سال ذکر شده است .

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱- تذکره هندی گویان که سال ۱۲۰۹ هـ تالیف کرده است برای سراج آن رجوع شونده اشیر نگر سن ۴۷ = ایوانودیل اول ۲۶۹ (۱۲۱۹ هـ) و زیوج ح ۱ ص ۳۷۸ الف (او احر قرن ۱۸ م) و بانکی پور ح ۸ ش ۱۷۱۰ (۱۲۲۸ هـ) چاپ در اورنگ آباد از طرف انجمن ترقی اردو با اهتمام و تصحیح مولوی عبدالحق .
- ۲- ریاض العسحا - تالیف آن در ۱۲۲۱ هـ آغاز و در ۱۲۳۶ هـ تمام شد . تذکره محدث ر ۳۰۵ شاعر اردو است . چاپ در اورنگ آباد از طرف انجمن ترقی اردو (ش ۷۷)
- ۳- خلاصه العروس - رساله ایست در عروس
- ۴- مفید الشعرا - رساله ایست در اصطلاحات فارسی
- ۵- دودویان فارسی^۲ - یکی از آنها که در جواب نظیری بود و تمام ما د
- ۶- سه یا بقول بعضی (حم دویان اردو

۱- تذکره گلشن هند چاپ علیگره ص ۲۲۷-۲۲۸

۲- بقول اشیر نگر چهار دویان : در آن جمله یکی سحره حر کویس دویان فارسی است که سبک شعر ناصر علی و یکی دیگر ضرر حلال امیر سروده است اما عبدالعقید در فهرست بانکی پور میگوید که مصحفی تنها یک دویان سبک حلال امیر و ناصر علی دارد

۷- شاهنامه - (با تمام ماند و تا شاه عالم سروده است).

۸- تذکره فارسی - در ۱۲۳۶ هـ تألیف کرد و مشتمل است بر ذکر شعرائی متأخر فارسی که تقریباً از همه آنها اشعار اردو انتخاب و نقل کرده است. برای نسخه آن رجوع شود به بانکی پورج ۸ ش ۷۱۱ (مورخ ۱۲۳۷ هـ).

۹- عقد ثریا - تذکره مورد بحث.

تبصره بر کتاب

این تذکره را مؤلف در سال ۱۱۸۹ هـ با تمام رسانیده است چنانکه در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد «دریک هزار و یکصد و نود و نه این تذکره... صورت اختتام پذیرفته»

همچنین در پایان کتاب قطعه‌ای آورده است که بیت زیر آن سال اتمام کتاب را می‌رساند

این روصه شد چو ساجده چون روصه بهشت

تساریح یافتم حامه «زهی باغبان صفا»

(= ۱۱۹۹ هـ)

در مورد تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که میرزا محمد حسن متخلص به قتل بیاضی داشت از نظم و نثر و احوال معاصرین و روزی آن بیاض را به مؤلف نشان داد و «فسون تألیف تذکره معاصرین» را بگوش وی دمید. مؤلف اشعار و شرح حال بعضی شعرا را از آن بیاض برداشته و احوال بعضی‌ها را بدست خود نوشته است

این تذکره مشتمل است بر صدوسی و هفت شاعر معاصر مؤلف ترتیب الفبا که از عهد محمدشاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) تا زمان شاه عالم (۱۲۲۱-۱۲۳۷ هـ) میریسته‌اند

و با «اجبه» شروع شده با «یوسف» تمام میشود.

این تذکره بسیار مختصر است و در ذیل نام اکثر شعرا مؤلف تنها شرح حالشان را نقل کرد ولی هیچ شعری از آنان نیاورده است. اما از اجب و آصف و اکثر و امین و پیامی و پروانه و شاه پنجه و توفیق و ثابت و قاسم و محیط و الوهادی هر کدام یک بیت و از یاسطی و هاتمی هر کدام یک مصرع و از آزاد و بیدار و شهاب دو بیت و از آگاه و فغان و مظهر سه بیت و از مجید یک رباعی و از واصل یک بیت و یک رباعی و از حاتم ۸ بیت نقل کرده است.

مؤلف حتی اشعاری از خود هم بعد از شرح حال خود نیاورده است اما در ذیل نام مظهر و حاتم قطعه‌های فوت را آورده که خودش سروده و به ترتیب مشتمل است بر ۱۰ و ۴ بیت.

همچنین در ذیل نام شرای زیر تنها در چند کلمه آنها را معرفی کرده اما هیچ شعری از آنها نیاورده است؛ ذهین و سوز و سرور و صوح و ضیاء و طیب و کاشف و مسرور نیازی و وفا.

در حاتم کتاب از مولوی صحرالدین و میر محمد حسین لندی از هر کدام یک بیت نقل کرده اما شرح حالشان را اصلاً نیاورده است. سنک انشای مؤلف در اکثر موارد غیر مصنوع است اما عالماً کلمات مشکل را بکار برده است.

رو به مرفته این تذکره جنگ ماسدی تقریباً بی ارزش و بی اهمیت است چون مؤلف به شرح حال شعرا را در این تذکره معصلاً آورده است و نه انتخاب ارا شعرا. آنها را معصلاً نقل کرده است و چنانکه خودش در ذیل سب تألیف اعتراف نموده است اکثر مطالب این تذکره را از بیاض قلیل برداشته اما خودش حتی در نوشتن شرح حال شعرائی که معاصروی بودند و بنا بر این وی طاهر آنا بسیاری از آن اش بوده هیچ رحمت نکشیده است. نظر ملاحظاتی فوق این کتاب را باید «سینه» بعد که آن هم با تمام مانده است چون گاهی مؤلف تنها سبقت اشعار و گاهی به نقل شرح حال

چند کلمه در معرفی شعرا اکتفا نموده است و شرح حال و اشعار هر دور را ارا کثر شعرا
 بیاورده است. بد این میتوان باین نتیجه رسید که مؤلف فرصت «اتمام» آن نداشته

جای

این تذکره در حیدرآباد دکن در سال ۱۹۳۴ م از طرف انجمن ترقی اردو
 حیدرآباد دکن در جامع ترقی پوس دہلی بطبع رسیده است
 برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تذکره عهد ثریا مقدمه ارمولوی
 عبدالحق و تذکره ہدی گویان مصحفی و تذکره (اردو) عشقی و مجموعه تقر
 ح ۲ ص ۱۸۸-۱۹۵ و گلشن بیحار شیفته و نتایج الافکار ص ۴۲۰ و اشپر بگر ص ۱۸۲-۳ و ۶۲۵
 و گارس دتاسی ح ۲ ص ۸-۲۸۳ (نام مصحفی) و آب حیات محمد حسین آزاد
 (اردو) و تاریخ ادبیات اردو سکسینا (بربان انگلیسی و ترجمه اردو) و دایرة المعارف
 اسلام (نام مصحفی) و ریو ح ۱ ص ۳۷۲ ب و نانکی پور ح ۸ ص ۵۰-۱۴۹ و دورہ ہنگ
 تراجم شرقی،^۱ (انگلیسی) بیل ص ۲۴۶ و تاریخ ادبیات اردو (انگلیسی) گراہام
 بیلی^۲ و استوری ح ۱ ص ۶-۸۷۵

فہرست اسامی شعرا - رجوع شونده جای حیدرآباد دکن ۱۹۳۴ م

تکملۃ الشعراء جام جمشید

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب مولوی محمد قدرت اللہ متخلص بہ شوق
 م و اسم پدرش قبول محمد است شرح احوال محترم خود و احداثش را

۱ - Oriental Biographical Dictionary - Beale

۲ - History of Urdu Literature - Grahame Bailey

در تاریخ جام جهان‌نما آورده است (رجوع شود به صفحه ۷۴۷ - نتمه کتاب). مؤلف در موضع موی تحصیل بهیری صلح بریلی بدنیآ آمد. در آن ایام موضع مد کورجرو ریاست رامپور بود و چون ریاست رامپور را او جدا شد و زیر اقتدار بریتانیا در آمد تمام قسمت مر بورا در دست رامپور جدا شد و از همان روز از رف و آمد مردم آن به رامپور کاسته شد.

شوق در تاریخ جام جهان‌نما میگوید که حد بررگ او باتفاق چند نفر و لشکر چند هزار سوار برای جنگ نارای پنهوا آمد و در نواحی سیت جنگ کرد و همسایگان چند نفر را همراهیان خود شهید شد پس سید حسین جنگ سوار بهند آمد و اولاد اجداد مؤلف بر باتفاق سید حسین مر بور بهند آمده و در سیت رحل اقامت افکندند. دیگر اجداد مؤلف در تواریخ هند مانند تاریخ مبارکشاهی و طلیقات اکبری آمده است و مؤلف خودش نیز شرح حال آنان در حاتم کتاب پرداخته است.

شوق تذکره الشعراء ریخته (اردو) بنام «حقیقت الشعراء» اثر تیر ترتیب داده بود چنانکه در صفحه ۷۸ در دیل نام حافظ امیرالدین متخلص به امیر پداو بی میویسد
داین مؤلف رابطه برادرانه داشت ۰۰۰ گاهی شعر ریخته هم میگفت چنانچه در تذکره حقیقت الشعراء اشعار او اکثر نگاشته شده

آثار مؤلف

- ۱- تذکره حقیقت الشعراء - درد کر شعرای ریخته گویان (اردو)
- ۲- تاریخ جام جهان‌نما - در تاریخ سلاطین و اولیاء ایران و هندوستان است و مشتملست بر یک مقدمه و ۳۹ طبقه و یک حتمه - مؤلف این کتاب را در ۱۱۹۱ هـ آغاز نموده و در ۱۱۹۹ هـ با تمام رسانیده است نسخه آن در رامپور (در ۷۵۲ ص) موجود است رجوع شود به مجله اورینتل کالج لاهور مورخ نوامبر ۱۹۳۰ ص ۶۹ - ۷۴
- ۳- تکملة السعراى جام حمید - تذکره مورد بحث
- ۴- طمعت السعراى - تذکره دیگر مؤلف در بزه سعراى ریخته گویان (شعراى

اردو) برای نسخه آن رجوع شود به آصفیه ح ۱ ص ۳۲۲ ش ۴۰، چاپ - باهتتام محمد ابواللیث صدیقی بدایونی.

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب را بعد از تألیف تاریخ جام جهان نما (اتمام ۱۱۹۹۰ هـ) ترتیب داده است. در مورد سبب تألیف در مقدمه چنین مینویسد که هنگامیکه از تألیف تاریخ جام جهان نما فارغ شد بعضی رفقای او فرمایش کردند که چون تاریخ مر یورتذکره شعرای فارسی ندارد بنا بر این مؤلف حالات شعرای فارسی را بعنوان تکمله آن کتاب بنویسد و بنا بر این مؤلف در امثال اردوستان خود این تذکره را ترتیب داده است. اما چون تهیه تذکره هائی که احوال شعرای متقدم و متاخر داشته باشند کار مشکلی بود بنا بر این احوال آنها را از تذکره های دیگر جمع نمود مؤلف در مقدمه کتاب اسم کتب زیر را ذکر نموده است که شرح حال شعرار را از آنها اقتباس و نقل کرده است.

۱- تذکره علیقلی خان شش انگشتی متخلص به واله ۲- تذکره سراج الدین علیخان ۳- تذکره سرخوش ۴- تذکره غلامعلی آزاد ۵- منتخب اللطایف رحیم علیخان (و غیره)

این تذکره مشتمل است بر دو مقاله بقرار زیر

مقاله اول - درد کمر شعرای عرب **مقاله دوم** درد کمر شعرای عجم .

مؤلف اشعار و شرح حال خود را در این کتاب بیاورده است اما هر گاه ملاقات با شاعری بوی دست داده بود درباره این موضوع در ردیل نام آن شاعر تذکر داده است مثلا رجوع شود به ذکر حافظ امیرالدین متخلص به امیر بدایونی (ص ۷۸) و شاه قدرت الله بلیع ساکن اولدهن صاحب هفت دیوان (ص ۱۱۴) و دوست علی پسر قاضی عبدالخالق متوطن در قصبه حلیر (ص ۲۲۹).

غالب مطالب این تذکره از کتب دیگر اقتباس و نقل شده است و بنا بر این از حیث اصالت این کتاب دارای اهمیت زیادی نمیباشد

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد این تذکره در راهپور (هندوستان) موجود است. این نسخه مورخ پنجشنبه غره شعبان ۱۲۱۸ هجری و مشتمل بر ۷۱۸ صفحه است و آنرا حافظ غلام محی الدین برای صاحبزاده، ظفر علیخان در مصطفی آباد (راهپور) استنساخ نموده است (رجوع شود به مجله اورینتال کالج ج ۷ ش ۱ مورخ نوامبر ۱۹۳۰ م ص ۶۸-۶۹ و نذیر احمد ۸۳)

صحف ابراهیم

ابتدا

صحف ابراهیم طبع سلیم تلفظ بحمد و ثنای حضرت پاریسمت عراسمه که معنی سرایان عیسی نفس را بمصداق ان الله حکما امسکها عن الایبا لیجریها علی لسان الشعرا قدرت معجز بیانی عطا فرموده و نکته سرایان دقیقه رس را مضمون الشعرا تلامیذ الرحمن دری از دارالعلم غیب بر روی استعداد گشوده.

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره علی ابراهیم خان متخلص به حلیل است. (برای شرح حال وی رجوع شود به بحث درباره خلاصه الکلام در این کتاب).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۰۵ هـ در بنارس سن شصت سالگی تألیف نموده

۱- چنانکه مؤلف در مقدمه مینویسد «تا هنگام تسطیر که سر عمر ما پیمان

است و در دیباچه کتاب قطعه آورده است که سال تألیف آنرا می‌رساند :

ز تائید نقاش هر زشت و زیبا شد این نقش بود مکتوبی یگانه

چو تاریخ اتمام حستم ز هاتف بگفتا مگو نفع بخش زمانه

(= ۱۲۰۵ هـ)

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است :

«این احقر العباد . . پیوسته با همه فروبی مشغله اوقات فرصت را بمطالعه

تصانیف علماء و عقلا و دواوین شعر سر آورده مرور دهر و آنچه از کلام فصیحان

عصر و بلعای دهر بوده است بادقت و امتیاز بسلك انتخاب کشیده بود و حین عرض

سخن زیاده بر صد هزار بیت شمار آید . لاجرم جوهری اندیشه بنظاره دریا دریا

گوهر لعل آبدار و معدن معدن یا قوت معنی بگین صد آرزو (جمع آوری نموده)

و (خواست) که این حواهر گیسوان بها از تفرقه بجمعیت رسد و بسلك تألیف

کشیده شود . بسبب کثرت مشاغل و هجوم اسای نوع که برای حل و عقد اموروی

التفات با این حیر خواه حلالیق و بیک اندیش مخالف میگردند سالها گذشت که

سرانجام این امر عظیم و مقدمه حسیم میسر نگشت تا آنکه در عهد طل سبحانی زیب

اهرای اورنگ حرن با بساه عالم پادشاه حلداله ملکه با بیاری توفیق خالق بیچون

و هوب بسایم افضال فرما بروای کن فیکون این گلزن امید بسرزمین بلده بنارس

روی شگفتگی دیده

مؤلف در دیباچه کتاب در مورد مآخذ و منابع خود در تألیف این کتاب مورد

استفاده او قرار گرفته است چنین می‌نویسد : بهنگام تسوید این اوراق هفتاد و دو

جلد لازم مصعفات متقدمین و متوسطین و متأخرین که شمرده نام آنها بطول اسحامد

مبیا بوده

بعضی کتابهایی که اسم آنها را مؤلف در متن کتاب در ذیل شرح حال شعرا

استفاده مؤلف در تألیف این کتاب قرار گرفته بدین قرار است

- | | |
|------------------------|------------------------------|
| ۱- تفحات الانس | ۲- معجم البلدان |
| ۳- مجالس المؤمنین | ۴- مجالس العشاق |
| ۵- کتاب انساب سماعی | ۶- ریاض الشعرا |
| ۷- تذکره دولت‌شاه | ۸- منتخب التواریخ |
| ۹- هفت اقلیم | ۱۰- تذکره منیر لاهوری |
| ۱۱- تاریخ گریده | ۱۲- مرآت جهان نما |
| ۱۳- ربدة الافکار | ۱۴- خلاصة الاشارة |
| ۱۵- مجمع الفایس | ۱۶- (چهار مقاله) نظامی عروضی |
| ۱۷- مجمع الشعرا | ۱۸- خلاصه ریاض الشعرا |
| ۱۹- تذکره معاصرین حزین | ۲۰- کلمات الشعرا |
| ۲۱- عالم آرای عباسی | ۲۲- تذکره سامی |
| ۲۳- مآثر رحیمی | ۲۴- عرفات العاشقین |
| ۲۵- تذکره نصرآبادی | ۲۶- حواهر الاسرار شیخ آذری |

از جمله مآخذ فوق تذکره میر لاهوری امروز در هیچ کتابخانه‌ای پیدا

این تذکره مشتمل است بر ذکر سه هزار و بیست و هفتاد و هشت شاعر^۲ بر ترتیب الحاء از روی حروف اول اسم یا تحلیص شاعر و از حیث تعداد شاعران این در گزین تذکره فارسی است و شامل ذکر شعرا و عرفا و فضلا و سلاطین و وزرای

۱- این تذکره اصلا همان خلاصة الاشارة (ش ۱۴) است که اسم کامل آن خلاصه الاشارة و ربدة الافکار است. معلوم نیست مؤلف چرا یکجا اسم این تذکره را خلاصة الاشارة آورده آورده و جای دیگر ربدة الافکار نوشته است در صورتیکه اسم آن تذکره همه جا خلاصة الاشارة نوشته‌اند و هیچکس غیر از تحلیل آنرا بناء بر ربدة الافکاره یاد نکرده است.

۲- ر ک نسخه برلین ش ۶۶۳ ص ۶۶۲

متقدم و متوسط و متأخر میباشد و با «شیخ ابویزید بسطامی» شروع شده یا «علائیگانه بلخی» تمام میشود.

در این تذکره طبق توضیح خود مؤلف «تخصیص قسمتی از اقسام نظم نیست و قصاید و غزل و قطعه و رباعی و ترجیع و ترکیب (بند) و مخمس و مسدس و معما همه مسطور است و بندوت و ضرورت ابیات مثنوی هم مذکور است».

مؤلف در مورد محل و سال تولد و وفات و مدفن و غیره شعرا از کتابهای مختلف تحقیق کرده و نتیجه تحقیق و تفحص خود را در این کتاب ذکر نموده است چنانکه خودش در مقدمه کتاب در این باره توضیح میدهد.

در تحقیق مولد و منشا و مدفن و زمان ظهور و سال ارتحال و نمایش رتبه کلام و اعلان قدر و منزلت هر کدام از طایفه فرجام مجوز و تقصیر و تساهل نگشته از کتب سیر و اخبار و تذکره‌های متداوله استنباط این مراتب نموده است و در مواقع اختلاف اقوال تدقیق و تنقیح در کار داشته قول معتبر را که خرد خرده شناس بصحبت و صواب آن طمانینت پذیرفت اختیار کرده.

همچنین مؤلف در ربابچه کتاب توضیح داده است برخلاف رسم تذکره نویسان معاصر بشرح معایب شعرا پرداخته و همچنین در ستایش آشنایان خود «ژاژخائی و هرزه درائی» نکرده و از افشای قبایح و دمایم کسانی که مرتکب ناپر هیر کاری بوده‌اند بفرح و آیه کریمه «هذاتذکره للمتقین» اجتناب و انحصار اولی و انس دانسته و اگر گاهی اشاره‌ای باین معنی آمده بنا بر علتی بوده است. حتی در موقوف ذکر شعرای معاصر که جمعی از هندوستان و بعضی از بلاد دیگر بوده حائبداری و تعصب بورزیده

مؤلف انتخاب اشعار غزلیات را مقدم بر قصاید آورده و در موقوف نوشتن اشعار

- ۱- مؤلف تذکره‌ای دیگر دارد نام «حلاصة الکلام» که در آن تنها اشعار مثنوی را انتخاب نموده است (ر ک . بحث درباره «حلاصة الکلام» در این کتاب).

رعایت ترتیب ردیف احسن دانسته جمیع اصناف سخن را مردف نوشته و همچنین جمعی از شعرا را که در تخلص مشارکت یا در علم و لقب و کنیت مشابهت داشته‌اند پهلوئی هم آورده است تا اگر خواننده را ظن تکرار از شخص واحد روی دهد همان لحظه بتواند رفع آن ظن و اشتباه کند

گاهی مؤلف عقاید شعرا و تذکره نگاران را در باره مقام و مرتبه اشعار شعرا در ذیل شرح حال آنها آورده است مثلاً رجوع شود به شرح حال انوری.

در ذیل نام بعضی شعرا طبق رسم تذکره نگاران و مورخین قدیم بجای نوشتن اسم کتاب یا شخص تنها « گویند .. » نوشته مثلاً رجوع شود به شرح حال ارجاسپ امیدی رازی و قرلیاش خان امید.

در ذیل نام اکثر شعرا شرح حال و اشعار منتخب از آنها را مختصر آورده است. رویه مرفته شرح حال مولا نارو می (در سه صفحه) و اشعار عرفی (۹۹۴ بیت) را مفصل تر از سایرین آورده است

ارحیث اطلاعات تاریخی راجع به زندگی شعرا این کتاب دارای اهمیت و ارزش فراوانی میباشد چون در مورد اکثر شعرا مؤلف شرح حالشان را بعد از مقابله و تحقیق ارتد کرده‌ها و تواریخ مختلف نقل کرده است
سك اشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما در مقدمه کتاب بنثر مصنوع پرداخته است.

نسخ خطی

۱- برلین ش ۶۶۳^۱

۱- در نسخه برلین عبارت زیر خط اشپرنگر آمده است.

Biographies of 3263 Persian Poets
alphabetically arranged by Nawwab Ibrahim
Aly Khan, who compiled these notices from

بقیه حاشیه در صفحه بعد

۲- بانکی پور ج ۸ ص ۷۰۸ (این نسخه ناقص است و به میرزا فتح الله متخلص به حساب تمام میشود. در فهرست کتابخانه مرپور اسم شاعر آخر عرفی شیرازی آمده است اما در متن نسخه آن شاعر آخر میرزا فتح الله حساب است و عرفی قبل از او آمده است).

۳- کتابخانه شخصی یکی از رفقای پروفیسور سید حسن در پتینه‌ها

۴- کتاب عرفی اسدی میدان بهارستان تهران این نسخه ناقص الاحرام است مشتمل است بر دو جلد. جلد اول 'باد شیخ ابویرید بسطامی' شروع شده با 'میر محمد هاشم متخلص به سنجر کاتبی' تمام میشود و جلد دوم 'محمود الملت شریف الدین ابن حسن' شروع شده با «(گنج) شکر کازرونی» تمام میشود. جلد اول در اکثر موارد درست است اما در جلد دوم قسمت آخر آن بریده و با کاعد مومی درست شده اما بعضی کلمات به علت بریدگی خوانده نمیشود. در این نسخه در بعضی جاها تنها اسم شعرا و اشعار نوشته و جای برای شرح حال خالی گذاشته شده است مثلاً رجوع شود به نام حکیم صدرالدین محمود الهی و میر عمادالدین الهی همدانی و اما بی همدانی دهلوی و غیره

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به فهرست برلین ص ۶۶۷-۶۶۸

نقیه حاشیه ارسعه قبل

72 works at Benaras in 1205 . This is one of the best Tazkiras extant and so rare that I never succeeded to obtain the sight of a copy of it in India - small folio . . . 692pp. written in clear Diwany. Sprenger

عکسی که در این نسخه در کتابخانه مرکزی تهران موجود است نشان میدهد که این نسخه تنها شرح حال شعرا را دارد و اشعار شعر در آن نسخه ذکر نشده است. در این نسخه مدارا و المای گنجوی ص ۷۴ شیخ آدری ش ۷۵ یکی از شعرای کتاب حساب شده اما این اشتباه است چون آنها مؤلف تنها قولی از شیخ آدری نقل کرده به خود شرح حال و نمونه اشعار آدری

خلاصه الافکار

ابتدا

لآی مشور سیاس و ستایش باستحقاق نثار دهن کبریای ناطمی تواند بود که
بمحص قدرت کامله گوهر بی مایه سخن و معانی (را) در عهد العاط و لسان اسای
کشید و حواهر مظلوم نیار و نیایش ار همه اسی آواقی تحفه در گام صافی توانند
که بمجرد امر لطف شامه از راهوا دفاتر لاتعدولات حصی (را) مرتب گردانید.

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب ابو طالب خان تریری اصفهانی است که بعضی ماسد مؤلف
«مفتاح التواریخ» اورالندی نوشته اند و اسم پدرش حاجی محمدخان و اصلوی از ترکان
آذربایجان است پدر مؤلف در عباس آباد اصفهان بدنیآ آمد و در عهد خوانی وارد
هندوستان گشته لازم ابوالمصور خان وزیر شد و ریاست و فرماندهی جمعی از لشکریان
گشت. بعد از تفریح محمدقلی خان به ریاست صوبه داری صوبه (استان) اور پامات و
رفاقت وی معتر گشت اما بعد از فوت محمدقلی خان مر نور خلی دلت گشته باثباته
و احوال عزال خود را در لشکر گاه بواب شجاع لدولت در لکهنو حد داشته با چند
بهر علام راه رگال در پیش گرفت و مدتی در آجا نا اعتبار و احترام گذرانید و بس
قریب شصت سالگی در شهر مرشد آباد فوت کرد قطعه ای که مؤلف در تاریخ وی
در این آمان آورده است میرساند که بدین سه روز بعد از حج در سنه ۱۱۸۲ هجرت
کرده است

حد مدبری مؤلف ابوالحسن بیگت پیر در اصفهان بدین آمده و .

۱- بعد از مهاجرت مؤلف بلندن وارد و در این مدت با اسم وی اشاره کرده است.

هندوستان شد و اینجا در سلطنت ملارمین برهان‌الملک در آمد و این خدمت را با کمال موفقیت انجام میداد اما پس از فوت برهان‌الملک ابوالحسن مزبور دیگر روی سپاهیگری و لشکر نیاورد.

ابوطالب‌خان در ۱۱۷۶ هـ در شهر لکنئو هندوستان بدنیاً آمد و بعد از مهاجرت پدرش نواب شجاع‌الدوله به علت نظر لطفی که بر پدرش داشت بتربیت مؤلف پرداخت و کمک هزینه تحصیل برای وی تعیین نمود و هر موقعی بلکنئو میرفت از وی احوال‌پرسی میکرد و او را مورد تفقد قرار میداد. مؤلف چهار ساله بود که مادرش از نواب مزبور اجازه گرفته بمرشدآباد نرد شوهر خود رفت اما هنوز سن مؤلف از چهارده سالگی تجاوز نکرده بود که پدرش در ۱۱۸۲ هـ در گنیشور در نتیجه مرگ پدر وی کفیل مسئولیت‌های سنگین خانواده شد و شش سال دیگر در بنگال توقف نمود. وی از سن ۱۳ الی ۲۰ سالگی در دربار مظفر جنگ مرشدآباد زندگی میکرد.

در اوایل حلوس نواب آصف‌الدوله بهادر (۱۱۸۹ - ۱۲۱۲ هـ) والی اود در اواخر ۱۱۸۹ هـ مؤلف به لکنئو رفته دوباره وارد خدمت ملارمت نواب مزبور گشت و بنا بر پیشنهاد مختارالدوله (نایب آصف‌الدوله) که از قدیم با وی روابط دوستانه داشت بعضی محالات میان دو آب (کسگا و حمنا) و (فرماندهی) رساله‌ای از لشکر بمده وی قرار گرفت و سیدزین‌العابدین خان که باتفاق وی وارد صوبه (استان) اود شده بود بعنوان شریک و عمکار او اسباب و مأمور شد و موقعیکه سید مزبور علیه حیدر بیگ خان کابلی قیام کرد مؤلف را نیز تا آخر همراه خود داشت و این امر و بعضی سوء تفاهم دیگر موجب تعبیر نظر و عقیده نواب نسبت بوی شد و بعد از سقوط مختارالدوله در ۱۱۹۰ هـ یک‌بار دیگر نسبت بجای مؤلف مقرر شد و مؤلف بار ششست شد.

بعد از فوت سید سابق‌الدکر مؤلف بعنوان یکی از دسیاران سرهنگ‌هایی